نسیم جنوب

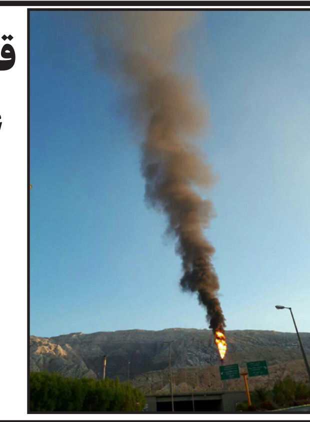
www.nasimjonoub.com

سال بیستم- شماره ۸۵۲ یکشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۶- ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

پارس جنوبی جم، فوتبال استان بوشهر، عسلویه پایتخت انرژی ایران

دکتر عابدین عابدزاده

صفحه ۳



قصه زندگی در جوار غول‌های نفت و گاز سهم مردم بیکاری و آلودگی است

صفحه ۶

گفت وگو با سعید معدنی جامعه شناس:

جامعه را به حال خود رها کردیم

صفحه ۳



عکاس: رسول سعادت نیا

متن سخنرانی فرخنده حاجی زاده در سالکوچ استاد آتشی

نزدیک شدن به تشخص تصویرهای ناب شعر آتشی

صفحه ۴



لغو امتیاز ۳۲ رسانه استان بوشهر، نتیجه عملکرد ماحوزی در مدیرکلی ارشاد

مدیرکل لغو امتیاز رسانه های استان بوشهر

صفحه ۸

۲

رئیس کمیسیون عمران مجلس:

وزارت نفت برای اتصال استان بوشهر به خط ریلی سرمایه‌گذاری کند

۴

اختران سوخته بر خاک تیره

به بهانه زادروز شاملوی شاعر

بابک شاکر

۷

عسلویه، کوه طلا کنار کوه آلودگی

رضا غبیشاوی

۸

ظهور یک بوشهری دیگر در سینمای ایران

اسماعیل بهبهانی

خبر
شماره ۸۵۲ یکشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

نماینده مردم دشتستان در مجلس:

توسعه زیرساخت‌های استان بوشهر منافع ملی را تقویت می کند

نماینده مردم دشتستان در مجلس شورای اسلامی گفت: توسعه زیرساخت‌های استان بوشهر منافع ملی را تقویت می کند.

به گزارش خبرنگار مهر، محمدباقر سعادت در جلسه هماهنگی راه آهن بوشهر و شیراز اظهار داشت: امروز درآمدهای استان بوشهر در کشور از جایگاه ویژه ای برخوردار است و نیازمند نگاه ویژه برای توسعه در این بخش است.

وی با تاکید بر لزوم نگاه ویژه به اتصال استان بوشهر به شبکه ریلی، افزود: این توسعه صرف نظر از منافع استانی، منافع ملی را در بر می گیرد.

نماینده مردم دشتستان در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: معطل ماندن این پروژه نوعی بی‌مهری به مردم این استان است چرا که این اتصال به شبکه ریلی از هیچ کدام از راه ها در استان های دیگر با اهمیت نیست.

سعادت با بیان اینکه ما خواستار آغاز این پروژه هستیم، بیان کرد: استانی که سابقه راه‌آهنش به جنگ جهانی اول بر می گردد نباید تا کنون فاقد راه آهن بوده باشد.

نماینده بوشهر در مجلس:

لایحه منطقه آزاد بوشهر به مجلس می‌رود/ لزوم احداث راه‌آهن

نماینده بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی گفت: لایحه منطقه آزاد بوشهر هفته‌های آینده به مجلس می‌رود.

به گزارش خبرنگار مهر، عبدالحمید خدری در جلسه هماهنگی راه آهن بوشهر و شیراز اظهار داشت: اتصال بوشهر به شبکه ریلی یکی از اولویت های استان بوشهر بود که در نشست مجمع نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی با معاون اول رئیس جمهور بود که مطرح شد.

نماینده بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی افزود: استقرار قطب صنعتی کشور، وجود گاز و نقت عظیم در این استان وجود اولویت را برای اجرای این پروژه بیشتر می کند.

وی عنوان کرد: در هفته های آینده لایحه منطقه آزاد بوشهر به مجلس خواهد رفت و به احتمال زیاد تأیید خواهد شد؛ این تصویب مزید برعلت نیاز این استان به اتصال به شبکه ریلی خواهد بود.

حجت‌الاسلام خدری با اشاره به اولویت‌بندی‌ها برای اتصال استان‌های مختلف به شبکه ریلی بیان کرد: اولویت‌های تعیین شده ناعادلانه بوده است.

وی عنوان کرد: امیدوارم با همت‌های صورت گرفته توسط مسئولین استانی و کشوری این پروژه نه برای منافع استانی بلکه برای منافع کشوری محقق شود.

اجرای کانال دفع آبهای سطحی در ابتدای خیابان نیروگاه

کانال دفع آبهای سطحی واقع در ابتدای خیابان نیروگاه توسط شهرداری منطقه دو در دست اجرا می باشد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری بندر بوشهر، شهردار منطقه دو بیان کرد: اجرای کانال دفع آبهای سطحی واقع در ابتدای خیابان نیروگاه (ظلع جنوب تقاطع غیر همسطح آزادی) توسط شهرداری منطقه



دو در دست اجرا می باشد.

آرمین پژمان الهی افزود: با اتمام عملیات و بهره برداری از کانال فوق، آبهای سطحی محدوده تقاطع از طریق این کانال احداثی به کانال اصلی بلوار نیروگاه اتمی هدایت و دفع می گردند.

کارتن‌خواب‌ها در فصل سرما به بوشهر می‌روند

مدیرعامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران با اشاره به اقدامات این سازمان برای کارتن خواب‌ها در آستانه فصل زمستان گفت: در فصل سرد سال بین ۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر شب‌ها در گرمخانه‌های تهران پذیرفته می‌شوند، از سوی دیگر نزدیک به ۴۰۰۰ نفر هم در کمپ‌های اطراف تهران به سر می‌برند. با این حال به علت شیوه زندگی‌شان نمی‌توان آمار دقیقی ارائه داد، چرا که گاهی فصل سرما به جنوب ایران (حاشیه بوشهر و بندرعباس) که گرمتر است می‌روند و فصل گرما دوباره به تهران می آیند./ایلنا

استاندار بوشهر:

پایتخت انرژی کشور به خط ریلی متصل نیست/ لزوم تحقق مطالبه مردم



استاندار بوشهر گفت: استان بوشهر به عنوان پایتخت انرژی کشور شناخته می‌شود و نقش مهمی در اقتصاد کشور دارد ولی این استان به خط ریلی سراسری متصل نیست.

به گزارش خبرنگار مهر، عبدالکریم گراوند در نشست پیگیری راه آهن بوشهر - شیراز، اظهار داشت: راه آهن بوشهر یکی از خواسته های بحق مردم استان بوشهر است.

وی افزود: پروژه‌ای که در سال ۸۵ آغاز و بنا به دلایلی ادامه پیدا نکرد و امروز مردم از مسئولان و نمایندگان خود انتظار دارند که این پروژه را آغاز و به اتمام برسانند.

استاندار بوشهر بیان کرد: جزیره خارگ بوشهر با انجام بالغ بر ۹۳ درصد از صادرات نفت کشور از دیرباز یکی از جزیره های استراتژیک کشور بوده است.

گراوند تصریح کرد: عسلویه استان بوشهر امروز در کل کشور شناخته شده است و استانی نیست که در این شهرستان نماینده‌ای نداشته باشد.

وی در ادامه با اشاره به وجود نیروگاه اتمی در شهر بوشهر، عنوان کرد: امروز استان بوشهر میزبان بزرگترین صنایع نفتی و گازی است، همچنین بیش از ۸۰ درصد تولید گاز وارد چرخه کشور می‌شود و اگر اینگونه نبود باید تمام تولیدات نفتی را صرف مصارف خانگی می کردیم.

استاندار بوشهر گفت: پارس شمالی در بوشهر آغاز به کار کرده و به عسلویه دوم تبدیل خواهد شد. به همین دلیل استان بوشهر لقب پایتخت انرژی کشور را بر دوش می‌کشد و مردم استان بوشهر انتظار نگاه ویژه به این استان دارند.

وی عنوان کرد: ما در آستانه سال جدید و دهه فجر هستیم و امیدواریم مردم استان بوشهر عیدی خود را از خانه ملت بگیرد.

استاندار بوشهر خاطرنشان کرد: تنها جایی که می‌تواند دولت را مکلف به اجرای پروژه کند خانه ملت است و این پروژه می‌تواند نقش مهمی در اقتصاد کشور داشته باشد.

معاون سوادآموزی استان بوشهر:

حذف بی‌سوادی در استان بوشهر نیازمند روحیه جهادی است



معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: حذف بی‌سوادی در استان بوشهر نیازمند روحیه جهادی است.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامرضا دانش‌فر در نشست بهبود کیفیت سوادآموزی اظهار داشت: هفته اول دیماه به نام هفته سوادآموزی نام‌گذاری شده است و برنامه‌های مختلف و متنوعی به همین مناسبت در استان بوشهر برگزار می‌شود.

وی دیدار با استاندار و نماینده ولی فقیه را از جمله این برنامه‌ها عنوان کرد و افزود: مسابقه ملی انشاءنویسی برای سوادآموزان، دیدار با خانواده شهدا، تقدیر از برترین‌های سوادآموزی و نشست با رسانه‌ها از جمله این برنامه‌ها است.

معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر با اشاره به تأکیدات امام راحل و رهبر معظم انقلاب بر لزوم توسعه سوادآموزی در جامعه بیان کرد: در مناطق و شهرستان‌های مختلف استان بوشهر تلاش‌کرده‌ایم تا زمینه جذب حداکثری سوادآموزان فراهم شود.

وی با بیان اینکه حذف بی‌سوادی در استان بوشهر نیازمند روحیه جهادی است، تصریح کرد: باید از همه ظرفیت‌ها و همکاری و مشارکت عمومی برای توسعه باسوادی در سطح استان استفاده کنیم.

دانش‌فر کمبود شدید نیروی انسانی و نبود اعتبار و بودجه لازم را از مشکلات پیش روی توسعه سوادآموزی دانست و خاطرنشان کرد: با وجود مشکلات موجود، آموزشیاران و همکاران سوادآموزی تلاش ویژه‌ای در این حوزه دارند.

امام جمعه عسلویه:

آلودگی هوای عسلویه جان مردم را به خطر انداخته است



حجت ا لا سلا م هاشمی‌نژاد، امام جمعه عسلویه: دختر بچه ۴ ساله در شهر بیدخون به واسطه سرطان از بین رفت و اتفاق بسیار ناگواری بود. آلودگی جان مردم را به خطر انداخته است. مسئولان فکری برای این آلودگی کنند چرا که خطر جدی است. تا کی باید شاهد این حوادث باشیم، جان مردم از همه چیز مهم تر است/مهر

نماینده مردم دشتستان در مجلس شورای اسلامی:

سود خرمای دشتستان به علت نبود صنایع تبدیلی در جیب دلالان قرار می گیرد

محمدباقر سعادت: انتقال خرمای ناب دشتستان توسط دلالان به خارج از استان به علت نبود صنایع تبدیلی به ضرر نخل داران تمام می‌شود زیرا سود این نوع تبادلات تجاری نصیب دلالان می‌شود.

کمبود منابع آبی و نبود بازار فروش مطمئن برخی از نخل داران دشتستانی را مجبور به مهاجرت کرده است./صداوسیما

تجلیل از پژوهشگران عرصه سلامت در بوشهر

به مناسبت هفته پژوهش روز دوشنبه در آیینی از پژوهشگران عرصه سلام و دانشگاه علوم پزشکی بوشهر تجلیل شد.

به گزارش؛ رئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در این آیین گفت: انجام کارهای تحقیقی و پژوهشی مورد نیاز جامعه، کشور را از بحران نجات می دهد.

پژوهشگران عرصه سلامت در بوشهر تجلیل شدند

سعید کشمیری افزود: براساس شعار امسال هفته پژوهش "تجاری سازی فناوری و پژوهش تقاضامحور" اعضای هیات علمی، پژوهشگران و روسای دانشگاه‌ها برای ایفای نقش هدایتگری باید نسبت به انجام کارهای پژوهشی دقت لازم را داشته باشند.

وی با اشاره به اینکه اعتبار دانشگاه به پژوهشگران است اظهار کرد: کشورهای متمدن و پیشرفته کشورهایی هستند که کارهای پژوهشی و تحقیقاتی در آنها از ارزش بالایی برخوردار است.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بیان کرد: هر چه به سمت کشورهای درحال توسعه پیش می رویم می بینیم بسیاری از سهم درآمدی و هزینه یک کشور به امر پژوهش و حمایت از پژوهشگران اختصاص می یابد.

معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی گفت: پاسخگویی به نیازهای سلامت جمعیت زیرپوشش، توانمند سازی پژوهشگران از طریق همکاری با سایر مراکز علمی و تحقیقاتی داخل و خارج کشور و زمینه سازی برای انجام پژوهش‌های محصول محور، حمایت و تشویق اعضای هیات علمی و دانشجویان به تأسیس شرکت‌های فناور و دانش‌بنیان به‌منظور کارآفرینی و خلق ثروت ازجمله ماموریت های این معاونت است.

معاون استاندار بوشهر:

۵۰۰ میلیارد تومان برای اجرای پروژه‌های عمران شهری استان بوشهر اختصاص یافت



معاون استاندار بوشهر گفت: برای اجرای پروژه‌های عمران شهری استان بوشهر در ۳۷ شهر امسال افزون بر ۵۰۰ میلیارد تومان هزینه می‌شود.

به گزارش خبرگزاری تسنیم از بوشهر، محمدحسن باستی در نشست اعضای شورای شهر بوشهر با استاندار با تاکید بر نقش مهم شورا در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی اظهار داشت: انتظار از شورا این است که در کنار تصمیم سازی قانونی، فعالیت‌های جدی شکل بگیرد تا رضایت عمومی مردم جلب و نشاط در جامعه حکم‌فرما شود.

وی با تاکید بر نقش مهم شورا در انتخاب مدیریت شهری و روستایی افزود: با توجه به اینکه مهم‌ترین وظیفه شورای اسلامی شهرو روستا انتخاب شهردار و دهیار است و باید به این موضوع توجه جدی شود.

معاون امور عمرانی استاندار بوشهر با بیان اینکه شهر مرکز استان با دیگر شهرهای این استان متفاوت است خاطرنشان کرد: مرکز استان در بین ۳۷ شهر تفاوتی دارد و لذا انتخاب شهردار از حسایت ویژه برخوردار است و آنچه مد نظر قرار دارد این است که مدیریت شهری مرکز استان باید یک مدیر شش دانگ باشد.

باستی بر لزوم هماهنگی بین همه مدیریت‌های استان با مدیریت ارشد استان بیان کرد: این هماهنگی است که امور را جلو می‌برد لذا هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و مدیریت ارشد استان در روند امور اجرایی تاثیرگذار است.

وی با تاکید بر تسریع در تکمیل پروژه‌های عمران شهری استان بوشهر افزود: ۳۷ شهر در استان بوشهر تاسیس شده که پروژه‌های متعددی بر اساس مطالبات مردم در این شهرها اجرا شده که نیاز است برای تکمیل این پروژه‌ها تلاش مضاعفی انجام شود.

معاون امور عمرانی استاندار بوشهر با بیان اینکه بخشی از اعتبارات حوزه عمران شهری از محل ارزش افزوده تامین می‌شود گفت: برای اجرای پروژه‌های عمران شهری استان بوشهر امسال افزون بر ۵۰۰ میلیارد تومان هزینه می‌شود.

آگهی حصر وراثت

آقا/خانم هیبت اله عیسوندی دهنویی دارای شناسنامه شماره ۴۰۸ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۶/۱۰۲۷ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عصمت آذرنیور به شناسنامه ۱۴۵ در تاریخ ۹۶/۸/۱۷ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- نعمت اله عیسوندی دهنویی به شماره ملی ۳۵۲۰۱۱۱۶۵۹- هیبت اله عیسوندی ده نویی به شماره ملی ۳۵۲۰۷۸۵۴۴۷ – نصرت عیسوندی دهنویی به شماره ملی ۳۵۲۰۲۶۴۶۹۲- سهیلا عیسوندی دهنویی به شماره ملی ۳۵۲۰۷۹۶۷۴۰ اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. (شماره ۱۹۱۴ م الف)

رییس شعبه شورای حل اختلاف استان بوشهر

رئیس کانون مداحان بوشهر:

طرح سطح‌بندی مداحان و ذاکرین استان بوشهر اجرا می‌شود

رئیس کانون مداحان و شعرای آئینی استان بوشهر گفت: طرح سطح‌بندی مداحان و ذاکرین استان بوشهر اجرا می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، مصطفی گراشی در نشست مجامع وابسته تبلیغات اسلامی استان بوشهر اظهار داشت: جامعه مداحان و شعرای آئینی یکی از تشکل‌های پرمخاطب است که در طول سال فعالیت‌ها و برنامه‌های مختلفی دارد. وی با اشاره به اینکه در ماه‌های محرم و صفر فعالیت‌های متنوعی از سوی کانون مداحان در نقاط مختلف استان اجرا شد، اضافه کرد: تلاش داریم تا با امکانات و منابع موجود بهترین عملکرد را داشته باشیم.

رئیس کانون مداحان و شعرای آئینی استان بوشهر ادامه داد: طبقه‌بندی و صدور کارت‌های مداحی یکی از اقدامات مهمی است که پیش رو داریم و بر اساس ثبت‌نام‌های صورت گرفته در سامانه طوبی نسبت به اجرای این طرح اقدام می‌کنیم. وی با اشاره به اینکه سطح‌بندی مداحان از کارهای مهم و حساس است افزود: تلاش داریم تا این برنامه را بر اساس یک روش واحد و با همسان‌سازی خوبی اجرا کنیم؛ این طرح باعث افزایش انگیزه مداحان برای ارتقای سطح خواهد شد. گراشی با اشاره به اینکه برنامه سطح‌بندی توسط کانون مداحان شهرستان‌ها انجام می‌شود، بیان کرد: تلاش داریم که این طرح با دقت انجام شود و تا محرم سال آینده مداح و ذاکر بدون شناسه در سطح استان نداشته باشیم.

رئیس کمیسیون عمران مجلس:

وزارت نفت برای اتصال استان بوشهر به خط ریلی سرمایه‌گذاری کند



رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفت: وزارت نفت برای اتصال استان بوشهر به خط ریلی سرمایه‌گذاری کند چرا که موجب درآمدزایی برای وزارت نفت خواهد شد.

به گزارش خبرنگار مهر، محمدرضا رضایی‌کوچی در نشست هماهنگی راه آهن بوشهر و شیراز اظهار داشت: یکی از برنامه‌های ما در کمیسیون عمران مجلس توسعه در صنعت ریلی کشور است.

رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی افزود: در کشورها سهم شبکه ریلی در اقتصاد ۳۰ درصد است که این آمار در کشور ما بالغ بر ۱۱ درصد است.

وی با اشاره به اینکه اکنون شبکه ریلی ما ناقص است، عنوان کرد: در صورت تکمیل شدن شبکه ریلی می‌توان گفت استفاده از شبکه ریلی برای جابه‌جایی کالا توجیه اقتصادی دارد.

رضایی کوچی عنوان کرد: در کشور ما بیش از پنج هزار و ۵۰۰ کیلومتر مرز آبی داریم اما نتوانستیم به درستی از ظرفیت‌های این بنادر استفاده کنیم.

رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی با اشاره به نگاه ویژه‌ای که امروز به بنادر وجود دارد، خاطرنشان کرد: امیدواریم بتوانیم از این ظرفیت‌ها در توسعه و پیشرفت کشور بیشتر استفاده کنیم.

رضایی کوچی با عنوان اینکه بودجه عمرانی در سال ۹۷ بالغ بر ۴۸ هزار میلیارد است، بیان کرد: ظرفیت‌های دیگری تعیین شده است اما میزانی که امروز به تصویب رسیده است در صورت تخصیص ۴۸ هزار میلیارد است.

رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی بیان کرد: اکنون بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد پروژه عمرانی در کشور وجود دارد.

وی تصریح کرد: امروز بوشهر تنها یک استان نیست بلکه متعلق به همه کشور است و باید برای توسعه هر چه بیشتر این استان تلاش شود.

رضایی کوچی با بیان اینکه باید وزارت نفت درگیر این طرح و سرمایه‌گذاری در شبکه ریلی شود، بیان کرد: وزارت نفت نباید به این پروژه نگاه هزینه‌کردی داشته باشد چرا که موجب درآمدسازی برای وزارت نفت خواهد شد.

رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی عنوان کرد: اگر عسلویه به شبکه ریلی کشور وصل شود موجب صرفه جویی های مختلفی خواهد شد.

معاون وزیر راه:

اتصال بوشهر به شبکه ریلی اولویت وزارت راه در سال آینده است

معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت‌های ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل گفت: اتصال بوشهر به شبکه ریلی اولویت وزارت راه در سال آینده است.

به گزارش خبرنگار مهر، خیرالله خادمی در نشست هماهنگی راه آهن بوشهر و شیراز اظهار داشت: برنامه ریلی کشور که از اصفهان به شیراز وصل شد طبق برنامه برای اتصال به بوشهر بود وگرنه انجام آن توجیه اقتصادی نداشته است.

وی با بیان اینکه بنا بر این هدف بیشترین اعتبار برای آغاز این پروژه توسط وزارت نفت تامین شده است، افزود: اجرای این پروژه چند مشکل داشت که یکی از آنها تصویب ۲۵۰ کیلومتر در لایحه بودجه بود، اما مسیر برای اتصال به بوشهر بالغ بر ۴۳۰ کیلومتر بود.

معاون وزیر راه و شهرسازی عنوان کرد: با مکاتبات صورت گرفته این اشتباه مرتفع شده است و مسیر اتصال به عسلویه نیز در حال تصویب است.

خادمی با بیان اینکه اکنون اجرای این پروژه منعی از نظر قانونی ندارد، تصریح کرد: از چند منبع می‌توان این پروژه را آغاز کرد که نخست بودجه عمومی بوده است که در ردیف بودجه قرار دارد و امروز ۱۰۰ کیلومتر از استان فارس و ۱۰۰ کیلومتر از استان بوشهر زیرسازی با پیشرفت فیزیکی ۵۰ درصد آغاز شده است اما عمده تونل بر این پروژه هنوز آغار نشده است.

معاون وزیر راه و شهرسازی تصریح کرد: برآورد هزینه این پروژه و اتصال خط ریلی به استان بوشهر دو هزار و ۷۰۰ میلیارد و برای اتصال به عسلویه نیز هزار میلیارد دیگر نیز نیاز است.

مدیرعامل شرکت‌های ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل بیان کرد: در سال ۹۱ در کشور ۱۴۰ هزار میلیارد پروژه نیمه‌تمام در کشور وجود داشت که ۸۰ هزار میلیارد مربوط به خطوط ریلی بود.

خادمی افزود: بالغ بر سه هزار و ۴۵ کیلومتر از این پروژه‌ها در دولت‌های گذشته آغاز شده بود و ما مجبور به اولویت‌بندی بنا به درصد پیشرفت‌های فیزیکی شدیم.

معاون وزیر راه و شهرسازی خاطرنشان کرد: همچنین برنامه‌ریزی شده در سال آینده نیز پنج استان به این شبکه متصل شوند که اولویت‌های ما استان‌های بوشهر، خرم آباد، اردبیل، سنندج و شهرکرد خواهد بود.

وی عنوان کرد: با توجه به اینکه پروژه ریلی استان بوشهر بسیار سنگین است و بودجه‌ها محدود است می‌توان با استفاده از منابع خارجی و وزارت نفت اجرای این پروژه را تسهیل داد.

پارس جنوبی جم، فوتبال استان بوشهر، عسلویه پایتخت انرژی ایران

دکتر عابدین عابدزاده



آیا این روزها نام تیم پارس جنوبی جم را شنیده اید؟ آیا جایگاه این تیم را در جدول لیگ برتر دیده اید؟ قطعا پاسخ آری است؛ و حتما بارها از تلاش این تیم به نیکی یاد کرده اید!

جناب آقای مهندس زنگنه
وزیر محترم نفت
جناب آقای دکتر سلطانی فر
وزیر محترم ورزش و جوانان
جناب آقای مهندس گراوند
استاندار محترم بوشهر

با سلام و احترام، آیا این روزها نام تیم پارس جنوبی جم را شنیده اید؟ آیا جایگاه این تیم را در جدول لیگ برتر دیده اید؟ قطعا پاسخ آری است؛ و حتما بارها از تلاش این تیم به نیکی یاد کرده اید؛ سالهاست از خطه جنوب به ویژه استان بوشهر فوتبالیست های خوش نامی در سطح تیم ملی درخشیده اند و امروز استان بوشهر یکی از قطب های فوتبال کشور می شناسند که بازیکنان مطرحی از تیم های ریشه داری چون شاهین بوشهر؛ ایرانجوان بوشهر و ... به فوتبال کشور معرفی شده اند و همیشه یک مسئله دغدغه اصلی تیم های فوتبال استان بوشهر بوده است و آن مسئله چیزی نیست جزء مشکلات مالی؛ آن هم در استانی که اقتصاد آن با وجود ثروت های خدادادی به لحاظ استراتژیک بودن منطقه در حوزه های مختلف انرژی، صنعت نفت و گاز، صادرات و واردات، تجارت دریایی، کشاورزی و ... بخش قابل توجهی از اقتصاد کشور را تأمین می کند اما اقتصاد مردم استان بوشهر در اکثر حوزه ها با مشکل جدی روبرو است و ورزش این استان نیز از این قائده مستثنی نیست.

انتظار چندین ساله دوست‌داران فوتبال بوشهر با صعود شاهین به لیگ برتر محقق شد و این تیم توانست هواداران بسیاری را به ورزشگاه‌ها بکشاند ولی شادی هواداران این تیم کوتاه بود و شاهین پس از چهار سال حضور در لیگ برتر، به دسته اول و سپس به دسته دوم سقوط کرد. همه می دانیم که عمده مشکل تیم شاهین عدم حمایت مالی مسئولان از این تیم ریشه دار بود که در نهایت این تیم نتوانست نیازهای فوتبالی استان بوشهر را تأمین کند و اکنون سرنوشت شاهین تجربه ای بزرگ برای حمایت از یکی دیگر از تیم های فوتبال استان بوشهر یعنی پارس جنوبی جم است؛ تیمی که با مشکلات کنونی اش می رود که به سرنوشت تیم شاهین بوشهر گرفتار شود؛ مردم استان بوشهر مردمی قانع بوده اند و شاید همین قانع بودن آنان مسئولان را دچار مشکل نکرده است، ما انتظار داریم همان طور که مردم این استان همیشه حامی دولت و نظام بوده اند دولت نیز بیش از این حامی مردم به ویژه جوانان باشد و این تیم جوان و خوش آتیه استان بوشهر را که تنها دل خوشی این روزهای فوتبال بوشهر است را حمایت کند تا حداقل شادی فوتبال دوستان استان بوشهر در آرامش بماند هواداران تیم پارس جنوبی جم در استان و حتی کشور زبانزد است و این تیم در این فرصت کوتاه توانسته محبوبیت خاصی بین مردم استان بوشهر به دست آورد. تیم پارس جنوبی جم در جنوب استان بوشهر و در جغرافیایی قرار گرفته است که به قطب انرژی و اقتصاد کشور می شناسند و این باور که این تیم دچار مشکلات مالی شده است همه را به شک و تردید می اندازد، شایسته نیست فوتبال این استان به خاطر مسائل مالی دچار مشکل شود و حامیان این تیم مردمی انتظار دارند با حمایت و اقدامی عملی نام تیم پرتلاش پارس جنوبی جم به مانند نیم فصل اول در بالاترین سطح فوتبال کشور بدرخشد. در نهایت لازم می دانم از حمایت های مالی مهندس یوسفی مدیر بومی منطقه ویژه اقتصادی انرژی در موفقیت و جایگاه فعلی پارس جم تشکر نمایم و امیدوارم این حمایت تداوم یابد.

آسیب‌شناسی کوتاهی از وضعیت مشاوره های کنکور در ایران

زهرا عرب

– در اذهان خانواده‌های ایرانی تحصیلات هنوز جایگاه والایی دارد که حاضرند هزینه‌های سنگینی را تقبل کنند. انگار باور عمومی این است که کنکور قرار است فرزندانشان را بدبخت یا خوشبخت کند.

– این موضوع فشارهای زیادی را هم به خانواده و البته فشار بیشتری را بر دوش دانش‌آموزی می گذارد که قرار است کفایت خود را از طریق پیروزی در این امتحان نشان دهد.

– دورهٔ نوجوانی به اندازهٔ کافی اضطراب‌های خودش را دارد: مسئلهٔ هویت، چگونگی ارضای نیازهای جدید، استقلال یا وابستگی، عدم کنترل بر رفتار و هیجانات، ترس از آینده و... همه و همه دورهٔ نوجوانی را تبدیل به دوره‌ای پرفشار می کند.

– این احوال آشفته را اضافه کنید به یک رویداد استرس‌زا به نام کنکور، تا حال یک نوجوان کنکوری را متوجه شوید. اما چه می‌توان کرد؟

گفت وگو با سعید معدنی جامعه شناس:

جامعه را به حال خود رها کردیم

سایه سیاه مرگ اندیشی بر زندگی نوجوانان



مرگ خودخواسته دو دختر نوجوان و فیلمی که به عنوان آخرین فیلم این دو قبل از اقدام به خودکشی در شبکه های مجازی پخش شد شوک و حیرت زیادی را در بین افراد مختلف جامعه در پی داشت. سایه سیاه خودکشی بر زندگی نوجوانان موضوعی نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت و مانند بسیاری دیگر از مشکلات و مصائب اجتماعی این چند سال به دست فراموشی سپرد. لایه های عمیق و نگران کننده ای که باعث مرگ اندیشی و خودکشی دو دختر نوجوان می شود موضوعی است که برای شکافتن بیشترش با دکتر سعید معدنی جامعه شناس گفتگو کردیم. متن گفتگوی شفقنا با این استاد دانشگاه در پی می آید:

*چندی پیش خودکشی دو دختر نوجوان در اصفهان افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داد. فیلمی که پس از آن به عنوان آخرین فیلم این دو در شبکه های مجازی منتشر شد، نکات فراوانی را در خود داشت که شاید واضح ترین آن مرگ اندیشی و نگاه بی واهمه این دو نوجوان به مقوله ای جدی مانند خودکشی است. فکر می کنید چه دلایلی باعث شکل گیری چنین نگاهی در دو نوجوان در بهترین سال های عمر شده است؟

*دکتر معدنی: به یاد می آورم چند سال پیش نیز شاهد خودکشی دو دختر جوان بودیم که ماجرا را چندان جدی نگرفتیم و به دست فراموشی سپردیم. اما در موضوعی که اخیرا اتفاق افتاد و دو دختر نوجوان اصفهانی دست به خودکشی زدند ضبط فیلمی قبل از خودکشی از یک سو و اظهارات اولیه مبنی بر ارتباط این خودکشی با بازی نهنگ آبی باعث جلب توجه بیشتر افکار عمومی شد. اگرچه برخی هم تردید دارند که این دو دختری که از خود فیلم گرفتند همان دخترانی هستند که دست به خودکشی زدند. بنابراین فعلا اطلاعات چندان دقیقی در این مورد نداریم. اما اگر این فرضیه درست باشد و این دو نوجوان همان دخترانی باشند که خودکشی کردند باید گفت از همان ابتدا که علم جامعه شناسی ایجاد شده فردی مانند امیل دورکیم اعتقاد داشت که برخلاف تصور عمومی که خودکشی را امری روانشناختی می داند این موضوع بیشتر علت های جامعه شناختی دارد و عوامل اجتماعی است که باعث خودکشی می شود. به اعتقاد دورکیم فردی که پیوند و همبستگی بیشتری با جامعه دارد کمتر خودکشی می کند. بر اساس این نظریه افراد متاهل، روستاییان، افراد سنتی و یا کسانی که پیوندهای مذهبی دارند کمتر خودکشی می کنند. یعنی هر چقدر همبستگی و ارتباط فرد با جامعه بالاتر باشد احتمال خودکشی کمتر است. در مورد اخیر اگر خودکشی یک نفره بود می توانستیم مسأله شخصی، خانوادگی یا روانی را وارد بدانیم اما وقتی دو نفر از دو خانواده جداگانه با هم دست به خودکشی می زنند باید این موضوع را زنگ خطری قلمداد کرد که مسائل اجتماعی خاصی را در پشت خود دارد. تحلیل من این است که متأسفانه ما جامعه را به حال خود رها کردیم. این رها شدگی جامعه در آینده ما را با مشکلات زیادی مواجه می کند. در مدرنیته غربی دو نهاد تضعیف شد یکی خانواده سنتی که دیگر قدرت هدایت و حمایت سابق را نداشت و دیگری مذهب که نتوانست کارکرد سابق خود را داشته باشد. هم اکنون در بخش هایی از جامعه ما نیز احساس می شود که این دو نهاد تضعیف شده و دیگر نمی تواند رسالت خود را به انجام برساند. از سوی دیگر نظام اجتماعی ما نمی تواند این نوجوانان را تحت حمایت خود قرار دهد و این افراد احساس تنهایی می کنند. اتفاق دیگری که در جامعه به شدت در حال خودنمایی است این است که ما به یک جامعه نق زن و غر زن تبدیل شدیم که بیست و چهار ساعته نق می زنیم و به شرایط اطرافمان اعتراض داریم. این موضوع روی بخشی از نوجوانان ما تأثیر منفی گذاشته و امید آنها به آینده را به شکل ناخودآگاه و زیرپوستی نابود می کند. به طور مثال وقتی کودکی در خانه است دائم با نق های پدر و مادر مواجه می شود که فلان کالا یا اجاره خانه گران شده، بعد در خیابان سوار تاکسی می شود و گلایه های مسافر و راننده را از گرانی و بدبختی می شنود. سپس در مدرسه هم با همین شرایط مواجه است و گله های معلم را می شنود. شب در خانه تلویزیون می بیند و در آن هم دائم از مشکلات و کمبودها گفته می شود. ما داریم آواری روی سر این بچه ها می ریزیم بدون اینکه روزنه امیدی به او نشان دهیم. جامعه ما هم اکنون با این مشکل نق زدن های بیست و چهار ساعته مواجه است.

یک نمونه را مثال می زنم. من در سی سال اخیر که سوار تاکسی شدم یک بار نبوده که راننده از وضعیت خود راضی باشد و گلایه نکند. یک بار نشده که بگوید خدا را شکر توانستم ماشینم را از پیکان کهنه به یک ماشین نو ارتقا دهم. در حالی که می بینیم ماشین نو و تمیز است و مشکلی ندارد اما باز هم راننده می گوید همان پیکان بهتر بود. یعنی می خواهم بگویم که ما هیچ نگاه مثبتی به اوضاع پیرامونمان نداریم. در گذشته که خانواده ها با پدربزرگ و مادربزرگ ها زندگی می کردند آنها نگاه مثبت را به نوه ها منتقل می کردند. آنها زندگی را تجربه کرده، سختی ها را چشیده و حالا به یک رفاه نسبی رسیده بودند بنابراین نگاه مثبتی داشتند و ناخودآگاه این مثبت اندیشی را به نوه ها منتقل می کردند اما هم اکنون این ارتباط قطع شده است. من احساس می کنم که نوجوانان ما در جامعه رها شدند و کسی آنها را تیمار و حمایت نمی کند و به آنها نمی رسد. این نق زدن های ما همه روی نوجوانان آوار شده و آنها امید خود به آینده را از دست دادند.

*شما به تضعیف جایگاه مذهب در مدرنیته غربی اشاره کردید و اینکه به نظر می رسد در کشور ما نیز چنین اتفاقی در بخش هایی از جامعه در حال رخ دادن است. این موضوع تا چه حد بر نوجوانان و نگاه آنها به زندگی، مرگ و آینده مؤثر است؟

دکتر معدنی: این هم یک وجه دیگر ماجراست. در کنار مسائلی که پیشتر گفته شد باید تضعیف باورهای مذهبی را در میان برخی از افراد جامعه هم مورد توجه قرار داد. چرا که برخی از باورهای سنتی پاسخگوی نیاز نسل جدید نیست و ما هم شیوه ها و قرائت های جدیدی از مذهب که برای همه تیپ های نوجوانان جذاب باشد چه در مدارس و چه در صدا و سیما ارائه نمی دهیم. در واقع می توان گفت تنها شاخه ای از مذهب ارائه می شود که مورد پذیرش بخشی از جامعه است. در حالی که مذهب یکی از موانع جدی خودکشی در جامعه است. هم به دلیل منع ها و اعتقادات و هم از این رو که معمولا مذهب در جامعه امید به آینده را ایجاد می کند. اما در جامعه ما این حلقه ها مفقود شده اند. هم ارتباط با بزرگترها و هم اعتقادات مذهبی حلقه های مفقود شده در جامعه هستند که باید مورد توجه قرار گیرد.

*پدر و مادری که خود امیدی به آینده ندارند چگونه می توانند این امید را به نوجوان خود منتقل کنند؟

دکتر معدنی: پدر و مادر باید بدانند که این غر زدن های بیست و چهار ساعته شان امید را از نوجوان می گیرد. اینکه نوجوان احساس می کند بعد از درس خواندن بیکار می ماند و امیدی به آینده ندارد. در حالی که وضعیت امروز نوجوانان و کودکان در خانواده به مراتب بهتر از دوران کودکی نسل های قبل تر است. در نسل های قبل، مشکلات اقتصادی و فقر خیلی بیشتر از امروز بود اما امروز در یک جامعه نسبتا مرفه زندگی می کنیم در حالی که امید در جامعه در حال از بین رفتن است. این موضوع دلایل مختلفی هم دارد. هم کارکردهایی از سنت ها نمی تواند امیدبخش باشد، هم جامعه نمی تواند امیدبخش باشد، هم سیستم اجتماعی توان امید بخشیدن به مردم را ندارد و این است که ما با این مسائل مواجهیم و باید در شیوه زندگی و نگاهمان به جامعه تجدید نظر کنیم.

*فکر نمی کنید افزایش توجه خانواده ها به برآوردن خواسته های نوجوانان باعث شده خیلی از مسائل برای آنها بی ارزش شود؟

دکتر معدنی: نمی توانم این موضوع را تأیید کنم. آنچه بیشتر از توجه بیش از حد خانواده ها به نوجوانان ما ضربه می زند فاصله طبقاتی موجود در جامعه است که باعث می شود نوجوان هر چیزی هم که دارد باز خود را با افراد دیگری که امکانات خیلی بیشتری دارند مقایسه کند و احساس تحقیر در او شکل بگیرد. جامعه امروز ما از طبقات مختلفی تشکیل شده است. کودکی که در خانواده معمولی با یک زندگی معمولی زندگی می کند می بیند که هم کلاسیش پولدارتر از اوست. در چنین شرایطی است که کودک با وجود اینکه رفاه دارد اما به رفاه خود قانع نیست. قدیمی تر ها حتی اگر فقیر بودند یا زندگی معمولی هم داشتند قانع تر بودند. اما امروز اگر پدر یک دانشجو برایش پراید بخرد باز هم می بیند که هم کلاسیش ماشین هشتاد میلیونی سوار است. در چنین شرایطی اگرچه وضعیت این دانشجو با نسل های قبل از خود خیلی فرق دارد و بسیار بهتر شده اما باز هم نوعی سرخوردگی و احساس کوچکی در او شکل می گیرد و اعتماد به نفسش را از دست می دهد. در واقع فاصله طبقاتی باعث شده که بخشی از نوجوانان امروزی این احساس را که دارای رفاه نسبی هستند، از دست بدهند. قطعا وضعیت امروز نوجوانان بهتر از نسل های قبل تر از آنهاست اما باز هم از وضعیت موجود ناراضی هستند. این نارضایتی و فاصله طبقاتی برای آنها تنش زا است و باعث می شود که اینها آرامش نداشته باشند و دائما خود را با افراد دیگر مقایسه کنند. این مقایسه آرامش را از اینها گرفته است. در حالی که نسل های قبل که هیچ کدام از امکانات فعلی را هم نداشتند انگار قانع تر بودند. من به یاد دارم که در دوران کودکی ما حتی کسانی که هم وضعیت مالی خوبی داشتند رفاه زیادی برای فرزندانشان فراهم نمی کردند. یعنی فرزند فردی که وضعیت مالی آنچنانی داشت مانند فرزند یک کارمند معمولی لباس می پوشید و رفت و آمد می کرد. این احساس حقارت در قیاس با دیگران که نوجوان و جوان امروزی ما دارد پیش از این نبود و همین باعث تنش های روحی در آنها می شود. بنابراین باید شیوه زندگی خود را عوض کنیم. از این غرزدن های دائمی فاصله بگیریم و به بچه ها امید بدهیم. باید به آنها این احساس را بدهیم که نگران نباشند زیرا شرایط به این شکل نمی ماند و تغییر می کند. ما به جای دمیدن امید در کودکان و نوجوانانمان دائما یاس را به آنها القا می کنیم.

*امیدی که در پدر و مادر وجود ندارد چگونه می تواند به نوجوان منتقل شود؟ به نظر می رسد امید به آینده در بخش های زیادی از جامعه کم شده است.

دکتر معدنی: درست است و باید این واقعیت را پذیرفت که جامعه ما دائما بین بیم و امید و وضعیت جنگ و صلح در نوسان است و مشخص است که در چنین جامعه ای برنامه ریزی سخت می شود. یکی از بدترین شرایط در جامعه این است که نداند دو سال دیگر چه وضعیتی دارد. بنابراین در اینجا برای رفع مشکلاتی که می تواند جامعه را تا مدت ها گرفتار کند حکومت و دولت باید وارد کار شوند. دست اندرکاران و برنامه ریزان اجتماعی باید تلاش کنند امید را در جامعه ایجاد کنند و عناصری را که باعث ایجاد وحدت و روحیه امیدواری در جامعه می شود، تقویت نمایند. اما به هر حال بخشی از کار هم به خانواده ها بر می گردد. مسلما وقتی نوجوان می بیند که یک پدر و مادر امیدوار دارد بخشی از شخصیت او ترمیم می شود. حالا که سیستم اجتماعی نمی تواند والدین و فرزندان را ساپورت کند حداقل ما در محدوده خانواده با توان خود شرایطی ایجاد کنیم که نوجوانمان نفس بکشد و بالا بیاد. باید امید را در جامعه نشر دهیم. من معتقدم این جلسات مذهبی و کارهای خیرخواهانه و فعالیت های اجتماعی امیدآفرینی است که می تواند امید را در جامعه افزایش دهد. هم اکنون فشار در جامعه روی نوجوانان زیاد است. در برخی موارد در رسانه ها چهره خشنی از مذهب ارائه می دهیم که نوجوان احساس می کند که تعلقی به آن ندارد. نباید چهره مهربان مذهب را از نوجوانمان دریغ کنیم. از طرفی هم خانواده دیگر خانواده قدرتمند سابق نیست که نوجوان احساس کند حامیانی به نام پدربزرگ و مادر بزرگ و فامیل دارد. بر اساس آخرین آمارها ۳۳ درصد از جامعه ما تک فرزندی هستند. بخشی هم که تک والد هستند. همه اینها باعث می شود بسیاری از نوجوانان پشتوانه خود را از دست بدهند و اگر جامعه هم از اینها حمایت نکند یأس و ناامیدی بر روحیه شان غالب می شود و دیگر اقدام به خودکشی موضوعی دور از ذهن برایشان نخواهد بود.



منبع: شفقنا زندگی

حاشیه غالب بر متن؛

مردم چه گناهی کرده اند؟

رضا مقاتلی



مثنوی حاشیه های شوراهای استان که در این دوره بیش از هر زمانی دیگر خودنمایی کرده است، در شورای شهر مرکز استان به هفتاد من شدن نزدیک تر شده است.

ابتدا اینکه روی سخن در این یادداشت با دسته، گروه، شخص یا جریان خاصی نیست بلکه واکاوی مجموعه ی اقدامات و نیز کنش ها و واکنش هایی است که به جای تلاش جهت همراهی و همصدایی برای رسیدن به مسیری واحد در راستای خدمت به مردمی که چشم به عملکرد منتخبین خود دوخته اند به هماهنگی و همسان سازی صفحات استوری اینستاگرام ها منجر شده است.

به عقیده ی نگارنده اصولاً آنچه باعث تحرکاتی نامناسب از نوع آنچه این ایام در شوراهای اغلب مناطق کشور - و بطور ملموس تر برای خود ما در استان بوشهر – شاهد هستیم می گردد از دو حالت خارج نخواهد بود؛ حالت نخست عدم درک صحیح جایگاه و شرایطی است که اعضای منتخب در آن قرار گرفته اند و حالت دوم عدم پیش بینی مناسب یا اقدام بهنگام و مؤثر قانونگذار در جهت جلوگیری و یا حتی مقابله با اینگونه تحرکات و اقدامات می باشد.

در باب مثالی مرتبط با هر دو حالت ذکر شده بصورت توأمان می توان به اقدام اخیر چند عضو



شورای شهر بوشهر در عدم حضور در صحن شورا جهت به حد نصاب نرسیدن جلسه ی شورا برای انتخاب شهردار این شهر اشاره کرد که ظاهراً با واکنش شدید چند عضوی مواجه شده است که خود بارها این رفتار را صورت داده اند و واکنش اعتراضی کنونی آنان در واقع می تواند نوعی نکوهش خود تعبیر گردد. عمیقاً معتقدم ظرف تعیین شده ی کنونی جهت مصونیت اعضا از سلب عضویت در صورت غیبت در جلسات نیازمند اصلاح فوری توسط مراجع ذیصلاح می باشد که اگر اینگونه بود اینک بعنوان راهکاری غیرمنطقی توسط منتخبین برای دستاویز قرار دادن قانون و به سخره گرفتن افکار عمومی و افراد مختلف قرار نمی گرفت.

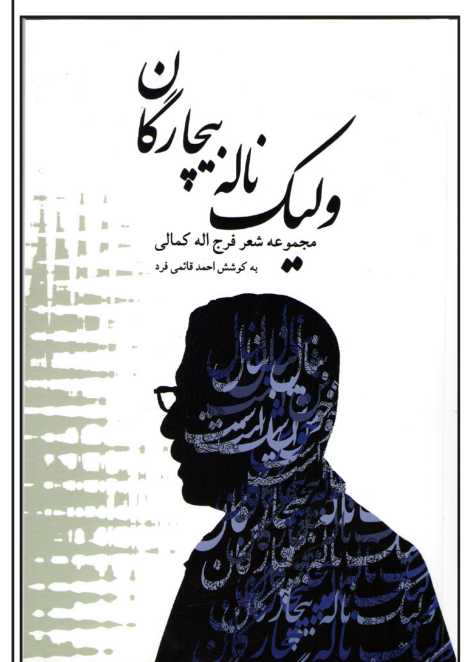
البته در باب اقدام اخیر عدم حضور چند عضو شورای شهر بوشهر می توان از جهت مقابله به مثل، حق را به نوعی به جانب غایبین قلمداد نمود علیرغم آنکه باز هم معتقدم چنین راهکاری کاملاً غیرمنطقی و بدعتی خطرناک خواهد بود.

آنچه در این میان بسیار مبرهن و آشکار می نماید برتری حاشیه بر متن در اینگونه رویکردهاست و تا مادامی که رویکردها اصلاح یا دچار تغییر نگردد کماکان شاهد اتفاقاتی چنین خواهیم بود و جایگاه متن و حاشیه بصورت معکوس جلوه نمایی خواهد کرد؛ به نظر می رسد حتی با وجود تغییر افراد نیز تا مادامی که رویکردها دچار تغییر نگردد تحول خاصی را نمی توان متصور بود.

مردم رسالت خود را به نحو صحیح و بر اساس خواسته های خویش البته بر مبنای وعده ها و اهداف ترسیمی کاندیداهای دیروز و منتخبین امروز بجای آورده اند و البته جالب ترین بخش این اتفاقات آنجاست که همه ی طرفها، اقدامات خود را در جهت رضایت و صیانت از آراء مردم معرفی می کنند. امیدواریم شعارها و وعده ها تاریخ مصرفی خاص نداشته باشند و همراهی با مردم تنها در پخش های لایو و حضورشان در برخی جلسات توسط مسئولین و منتخبین تعبیر نگردد.

هفته نامه
نسیم جنوب
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷- ۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com
info@nasimjonoub.com

و لیک ناله بیچارگان



انتشار مجموعه شعر فرج اله کمالی به زبان فارسی معیار منتشر شد.
این مجموعه شعر به کوشش احمد قائمی فرد منتشر شده است که اشعاری از این شاعر را در قالب های آزاد، غزل، رباعی، دوبیتی، مثنوی و... در بر می گیرد.
این مجموعه اشعار در ۲۰۰ صفحه تحت عنوان: و لیک ناله بیچارگان در اختیار علاقمندان به شعر و ادبیات قرار گرفته و می توان آن را از کتابفروشی پارکر بوشهر، کتاب فروشی های شهر برازجان و سایر شهرهای استان تهیه نمود.
در مقدمه این کتاب آمده است:
اشعار این کتاب که در قالب های مختلف آزاد، قطعه، غزل، دوبیتی، مسمط، مثنوی، رباعی و چند شعر که با گویش محلی سروده شده همگی نشان از استعداد شگرف و آمادگی ذهنی سراینده آن ها در کمال مطلوب بوده و به باور نگارنده این سطور در بالاترین سطح معیارهای رایج قرار دارند.
اشعار کمالی چون بر مبنای اخلاق و انسانیت سروده شده، منحصر و محدود به جغرافیای زمان و مکان نمی ماند و برای همه قلب های مهربانی که محصول شعور بیشترند حامل پیام همدلی است؛ شعر او همه انسان هایی را که دردها و رنج های مشترکی دارند به هم پیوند می دهد و مانند نیروی گریز از مرکز مخاطب را به سطوح گسترده تری از آگاهی های عمومی جهانی می برد.
در زیر نمونه یی از این دفتر شعر آورده شده است:

بزن بارون
ایرج ام
وقتی کز آسمان نگاهت
رگبار خنده سرازیر می شود
وقتی غبار غصه زمین گیر می شود
لب های کوچه های خاطر باران ندیده ام
این نغمه را به زمزمه آغاز می کند:
بزن بارون که باریدن صوابه
بزن بارون که باریدن صوابه

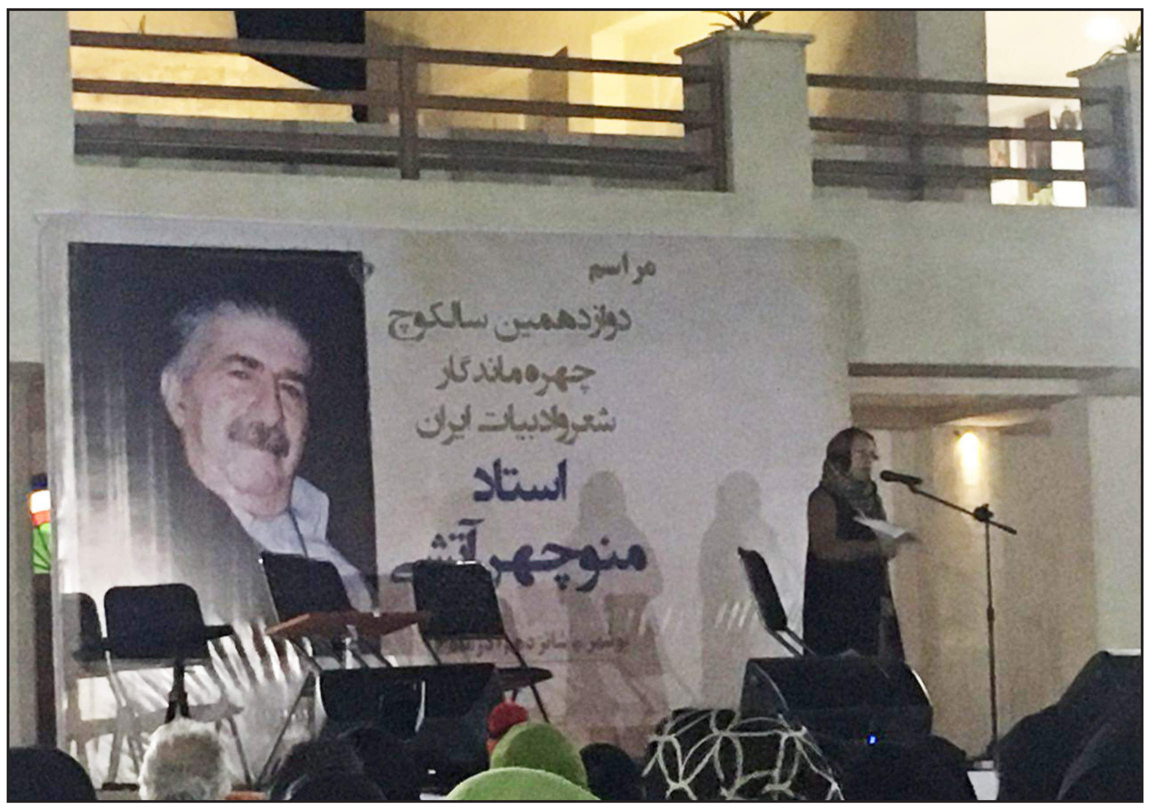
این شعر در دوران بیماری شادروان ایرج شمسی زاده سروده شده و در شب بزرگداشت او در بندر گناوه قرائت و به ایشان تقدیم گردید.
و نمونه ایی دیگر از این دفتر شعر (سوگ سروده ها) در زیر آورده شده است:

منوچهر آتشی
دیدم جماعتی که سیه پوش می رود
عودی و آتشی به سر دوش می رود
شوریده مردمی همه شیدا و دل پریش
بر بوی دوست داده ز کف هوش می رود
یکدل و یکزبان به گمانت که یک تن است
محبوب را گرفته در آغوش می رود
چاووش خوان خوش نفسی این چنین سرود
آوخ که ساق گندم پرخوش می رود
رندانه پس به شیوه ی طنزش بدان فزود
پای برهنه وان همه پاپوش می رود
دیدم نوای جمله که در بحر عشق بود
آهنگ دیگری است که در گوش می رود
گفتم عجب بود که مقامی چنین عزیز
این گونه بی سلاح و زره پوش می رود
گفتا نگاه کن چه سلاحی به از قلم
کاین سان گرفته هر که به پهلوش می رود
هرگز عجب مدار که این نخل پرثمر
برجا نهاده این همه پاجوش می رود
این سوگ آتشی است که خاموش می رود
آواز خاک خوانده کنون سوش می رود

این کتاب توسط انتشارات بین المللی نوید شیراز به چاپ رسیده است.

متن سخنرانی فرخنده حاجی زاده در سالکوچ استاد آتشی

نزدیک شدن به تشخص تصویرهای ناب شعر آتشی



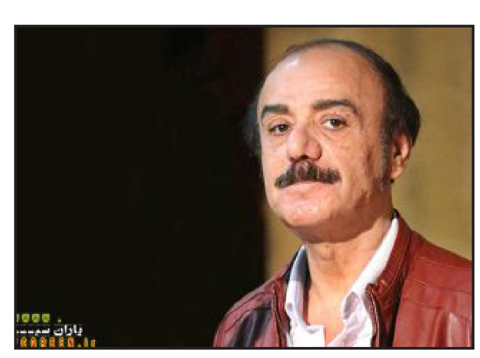
مرا تن دولت است و ناخدادل
در این کشور بود فرمانروا دل

به گفته ی فایز خوش سخن، به فرمان دلم قدم به بوشهر گذاشته ام. به طور خاص به دو دلیل.
نخست این که پر بودم از حسرت دیدارهای میسر نشده ام با "منوچهر آتشی" بزرگ و امروز از پی ۱۹ سال با تلنگر یادش آمده ام؛ هر چند دیدار میسر نخواهد شد؛ اما می توانم شاخ گلی گلرنگ بر تربتش بگذارم.
در پاییز ــ زمستان ۱۳۷۷ بود که صدایش در گوشی پیچید و نرم در گوشم نشست: «باید بیام دیدنت، ولی ناتوان شدم تو بیا!» نگفتم: «در این لحظه ناتوان ترینم.» گفتم: «چشم!» و نرفتم. نشد که بروم. مثل همیشه فاصله ای عمیقی بین خواستنم و توانستن بود.
روزی دوباره صدای صمیمی و بی ادعایش گوش و دلم را گرم کرد؛ ولی آن قدر نپایید که گفت: «بیا منم مثل خودت بی برادر شدم».
گوشی را که گذاشت دختر زمستانی سردش شد و با خود گفت: «برادر بیچاره ام تو خواب بودی/ که آفتابت را دزدیدند/ و بیشه های سبزت را / از نور خالی کردند».
و حالا من اندوهی بسیار دارم از جنس افسوس کارهای نکرده و حسرت دیدارهای میسر نشده. آمده ام که وام بگذارم؛ و در حوالی حس های او گام بردارم و بشنوم صدای بوشهریانی را که "عبدوی جط" و "اسب سفیدوحشی" اش را می خوانند.
دو شعر درخشانِ حماسیِ او که بر تارک شعرهای حَماسی نیمایی، اعلام موجودیت کردند و خوش درخشیدند.
من اما هر چند تأثیر آن جنون محتشم حماسی و حسیت تصاویر آن دو شعر خاص را در ذهن دارم؛ و می دانم آتشی به عبدوی جط، زندگی جاودانه بخشیده و یال زنده ی اسب سپیدش در باد تکان می خورد و مرا چون ـ یک شیهه ی کشیده / زآن سوی نخل های توارث/ آواز می دهد. با این همه دل در گرو حساسیت لحظه‌های شعری، تخیل ناایستا و قدرت شگرف تصویرسازی های بیابانی، اصیل و غیرشهری او دارم و دلم می‌خواهد گام به گام شعرهایش در حاشیه‌ی جهان سوت بزنم. در جهان شعرهایی از این دست: نامت/ در من افتاده است/ یا آمده بی‌هوا/ تا بنشیند کنارِ هر چه دلش خواست/....../ نامت/ در مَن افتاده است/ – دشمنی ناپیدا –/ همین‌طور، بی‌هوا آمده است/ تا بنشیند کنار هر چه دلش خواست/ و ننشیند کنار هر چه دلم خواست/ – مثل دلم –/ «کنار هر چه دلم خواست» گنجشکی است/ که می‌نشیند بر سنگی، و نمی‌داند که برادری دارد – سنگ –/.../ چه بگویم، چه گونه بگویم اما/ که من هلاک همین غریبهٔ سر به هوا، همین ناخوانده مهمانم؟
و چنان نام این شعر آتشی افتاده در جانم و پژواک ذهنم شده که «با سایه‌اش یگانه» می‌شوم.
کنار عکس پیری من/ عکس جوانیِ پدرم افتاده/ – از اتفاق –/ این دلپذیرترین مصراعی است/ که خوانده‌ام، از آن همه خروارِ حرف/.../ از اتفاق/ عکس جوانیِ پدرم/ کنار عکس پیریِ من افتاده/ وَ روی بی‌نهایت این مصراع نورانی/ دو عابر غریب/ با سایه‌ای بلند و یگانه/ آرام دور می‌شوند
و من نزدیک می شوم به تشخص تصویرهای ناب شعر آتشی با تکه‌تکه‌های خاص درخشان. چون می دانم یک دل در این حوالی/ باید باشد. دلی تفته چون دل آتشی که از جغرافیای خاص محیط زیستی اش الگو می گیرد.
خانه‌ات سرد است؟/ خورشیدی در پاکت می گذارم و برایت پست می کنم/ ستارهٔ کوچکی در کلمه‌ای بگذار و به آسمانم روانه کن/ – بسیار تاریکم –/... ای دختر تابستانی/ هنوز آیا به راستی سردت است؟/ و ستارهٔ کوچک را آیا/ به آسمانم روانه خواهی کرد؟/ بسیار تاریکم/... ای ماه/ وقتی که من کودک بودم/ تو ماه بودی/...
و اینک خوشا به حال دلم / و اینک افسوس که جای او خالیست؛ والا می شد کنارش بنشینم و بگویم: چنین که می گذرد روزگار/تمام مردم/ با جیب های پر از گریه/ از کارخانه به خانه بر می گردند.) اما، بی‌شک. ما نقطه‌ها، سرانجام/ در گودنای انحنایی پر سایه یکدیگر را/ یگانه، باز خواهیم یافت/ با مشعلی در دست و اندیشه‌ای در صدا/، (هر چند) امروز نیز/ با هر فشار ماشه / حلاج‌ها و عین القضات‌ها و نسیمی‌ها/ مانند برگ پاییزی/ از شاخسار مصراع/ می‌افتند/ (اما) افسون باطلی است/ دریادلان در آب نخواهند مرد/ و توفانیان به باد نخواهند رفت. (و ما) مشت خاکی می گیریم/ – از گلدانی گمنام –/ که بوی مرگ/ – بوی دروغ –/ در آن رسوب نکرده باشد.
ــ دوم این که سال هاست با پری های "فایز" ؛ "آتشی" و "باباچاهی" دمخور بوده ام:
پری پیکر بتِ عیسی پرستُم / به یک نظاره دل بردی زدستُم /پری برگرد، با ما مهربان شو/ که من دین مسلمانی شکستُم.
و لب جفره همراه دریائیان منیرو سر از آب در آورده ام و میل حضور در مکانی داشته ام که مدرسه ای به نام "سعادت" دارد و ادیبانی چون علی دشتی، صادق چوبک، رسول پرویزی، محمدرضا نعمتی زاده، منوچهر آتشی، پرویز پروین، محمد بیابانی، علی باباچاهی، محسن شریف، خورشید فقیه، منیرو روانی پور، رحمان کریمی، محمد آذری، مجید زنگویی، جعفر حمیدی، حسن آرش نیا و ابوالقاسم ایرانی که شاعر ـ برادر می دانمش.
بارها فکر کرده بودم که بوشهریان با این همه همت و غیرت که برای زنده نگه داشتن یاد آتشیِ گرامی دارند؛ از بزرگان دیگر شان به وِیژه "صادق چوبک" یاد نمی کنند؟ یا من چنان در روزمرگی احاطه ام که بی خبر مانده ام. از قضا لحظه ی نوشتن این یادداشت بار دیگر چوبک به خاطرم آمد؛ شاید باور نکنید برای نوشتن شماره ی تلفنی کاغذی را از وسط مجله ی "بایا" ی روی میزم کشیدم بیرون. صفحه ای باز شد با عکس آتشی و تیتر ــ یادی از دو همشهری، دو نویسنده مظلوم رسول پرویزی و صادق چوبک. ــ مطلب را با دقت خواندم و فکر کردم آتشی پیغامش داده که به شما برسانم. این است پیام آتشی:
«صادق چوبک به گمان من دلیرترین و عمیق ترین نویسنده ای بود که با نگاهی به ژرفای آثار هدایت، راه دیگری در پیش گرفت و مستقل حرکت کرد وتا آخر خودش ماند» آتشی چوبک را همتای هدایت می دانست که ساده و کم ژرفا نمی نوشت. او نقاش اعماق جامعه ی خود بود. اعماقی که بوی لای و لجن می داد ولی واقعی بود».
آتشی معتقد بود که چوبک عمیق بود و مظلوم واقع شد. چون به قول حافظ صراحی پنهان می برند؛ او با شعوری پیش بین گفته بی شک با نقش اینترنت آثار چوبک مخفی نخواهند ماند. پس بوشهریان عزیز حالا شما و دست همت!

پانوشت:
۱ـ در نگارش این یادداشت از اشعار زنده یادان "فایز" و "آتشی" استفاده کرده ام (به ویژه از شعرهای آتشی)
۲ـ مجله بایا شماره ۴-۵ سال ۱۳۷۸
۳ـ بوشهر ادیبان بسیار دارد اما من هنگام نوشتن این یادداشت از کسانی که نام شان به خاطرم آمد اسم برده ام. این نوشته جنبه تحقیقی ندارد.

احمد آرام دیگر نویسنده بوشهری:

آتشی، جادوی جنوب را خوب می‌شناخت



– آقای آرام به عنوان نویسنده‌ای که خاستگاه خودتان هم جنوب و شهر بوشهر است، تأثیر جغرافیای خطه جنوب را بر شعر منوچهر آتشی چگونه می‌بینید؟
– ادبیات اقلیمی ایران ادبیاتی است که اگر درست آن را بشناسیم و با آن ارتباط برقرار کنیم، چه‌بسا تمام انگاره‌هایی که داریم از میان می‌رود و تمام تخیل‌مان درباره داستان‌پردازی و شعر از بین می‌رود. جنوب خاستگاه بسیار غریبی دارد. افسانه‌ها و متل‌هایش لبریز از جادوست که در شعر و داستان هنرمندان این خطه زبان خاص خود را پیدا می کند. منوچهر آتشی با این جادو آشنا بود و آن را خوب می‌شناخت. من از دوره نوجوانی او را می‌شناختم و با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ خانوادگی داشتیم. او هرگز با واژه‌ها شوخی نمی‌کرد. واژگان او گذشته از لحن بومی بودن‌شان زبان فراواقعی هم داشتند که آمیخته به جادوی جنوب بود. اگر شعر «ظهور» را مطالعه کنید، در می‌یابید که این شعر، مانیفست یک عمر شعر سرودن اوست. با این شعر بلند می‌توانید وارد جهانی شوید که همیشه او را آزار می‌داد. موضوع کارهایش گذشته از رویکرد دراماتیک و قدرت دیداری یا همان بصری، آنقدر شروع جالبی داشت که ناگهان متوجه می‌شوید که جادویی از درون، شما را تسخیر می‌کند. از سوی دیگر تمام شخصیت‌های شعرهایش، تراژیک و کاریزماتیک هستند. به عنوان نمونه شخصیت «عبدو» در همان شعر «ظهور» شخصیتی کاریزماتیک است. در این شعر موسیقی و ضرباهنگ در کنار هم قرار گرفته‌اند.
– چرا منوچهر آتشی که بعد از شاعرانی همچون فروغ، اخوان و شاملو، دیگر شاعر بزرگ روزگار ما است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است و به نظر می‌رسد به اندازه کافی به او ادای دین نشده است؟
– این موضوع بیشتر به ساختار جامعه برمی‌گردد. وقتی به ادبیات امریکای لاتین هم می‌نگرید، متوجه می‌شوید در آن جوامع ملتی در مقابل پابلو نرودا می‌ایستند. اما در جامعه‌ای مانند فرانسه شاعر جایگاه خود را دارد، در این جامعه قدر شاعر را می‌شناسند و نگاه‌شان به شاعر، واپس گرا نیست و شعر در خانواده‌ها حضور مستمر دارد. اما در کشور ما در زمان ادبیات کهن و کلاسیک چنین چیزی بوده است. مثلا اینکه شاعرانی مانند سعدی و حافظ در خانه‌های ما در کنار قرآن حضور دارند اما چرا در دوران معاصر حضور شاعران در خانواده‌ها ضعیف شده است و بخشی از مردم از ادبیات معاصر جدا افتاده‌اند، یکی از دلایل این وضعیت، به دنیای مجازی برمی‌گردد که این روزها بر افکار مردم مسلط شده است. از سوی دیگر متاسفانه صدا و سیمای ما هرگز از هنر و ادبیات معاصر دفاعیه‌ای نداشته است و فقط سریال‌های آسان‌پسند و آبکی با موضوعات ملودرام پخش می‌کند و به این شیوه، سطح سلیقه مخاطب را هم پایین می‌آورد. در حالی که مثلا در امریکای لاتین، خانواده معمولی نداریم. در کشوری مانند مکزیک برای نویسنده‌ای همچون مارکز، طاق نصرت می‌بستند و همین موضوع نشان می‌دهد وابستگی تنگاتنگی میان مردم و هنرمند وجود دارد در حالی که متأسفانه این رابطه در کشور ما هر روز کمتر می‌شود. همان طور که در دهه چهل، شمارگان کتاب ۳۰۰۰ نسخه بوده ولی امروزه به ۵۰۰ و حتی به ۳۰۰ رسیده است و این تراژدی وحشتناکی است که باعث تخریب می‌شود و هیچ راهی نیست که نیرویی وارد این قضیه شود و از ناشران حمایت کند. صدا و سیما باید ادبیات معاصر را به مردم معرفی کند تا آنان متوجه رویدادهای هنری کشور خود شوند و در جریان امور هنری قرار بگیرند ولی وقتی هیچ‌یک از اینها اتفاق نیفتد، معلوم است «آتشی»ها در سایه قرار می گیرند. اما تاریخ همیشه در کنار هنرمندان ایستاده است و زبان گویای آنان است هر چند این زبان، سال‌ها بعد بازگو می‌شود. حال در کنار ما تاریخ پنهانی وجود دارد که فعلا گنگ است ولی آرام آرام زبان خود را به دست می‌آورد و دیگر گنگ نخواهد بود. وقتی «فروغ» شعر معاصر را دسته‌بندی می کرد، آتشی را کنار شاملو می‌گذاشت و اگر امروز حضور او کمرنگ است، نشان از ضعف آتشی نیست بلکه بخشی از آن به دلیل کم‌توجهی رسانه‌هاست و اینها دست به دست هم داده‌اند تا آثار او کمتر مورد توجه عموم مردم قرار بگیرد. اگر بخواهیم به زندگی آتشی توجه کنیم، شعرهای او در مجله «تماشا» خیلی دیده شدند و کتاب‌هایش جوایز معتبر گرفتند. اما او هرگز در پی این نبود که برای مطرح کردن خویش، اقلیم خود را از دست بدهد و شهرت کاذب به دست آورد.
– فکر نمی‌کنید اگر در مرکز، زندگی و فعالیت می‌کرد، به سبب گستردگی فعالیت‌های فرهنگی در پایتخت، شاید بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت و آثارش بهتر دیده می‌شدند؟
– همیشه به پتانسیل پنهان در آثار هنرمندان فکر می‌کنم. من خود در بوشهر زندگی می‌کنم و در این شهر می‌نویسم ولی آثارم در تهران چاپ می‌شوند. همچنان که چند سالی هم در شیراز زندگی کرده‌ام و کتاب‌هایم در مرکز منتشر شده‌اند و مورد توجه هم قرار گرفته‌اند و مخاطبان خاص خود را دارند. اما مهم این است که هنرمند و نویسنده خلاق در خلق اثر هنری موضوعاتی را برای خود انتخاب می‌کند که حتی اگر زیر خاک هم باشند، می‌توانند تلالو خود را پیدا کنند. همان طور که آثار مارکز در تمام کشورهای امریکای لاتین خوانده می‌شوند در حالی که در مکزیک منتشر می‌شوند. نویسنده در هر روستایی شناخته خواهد شد اگر اثرش درخور باشد. نمونه‌اش بیژن نجدی است که در یکی از روستاهای شمال زندگی می‌کرد ولی به دلیل آثار پر قدرتش، به خوبی شناخته شد. عمیقا معتقدم اگر هنرمندی به روز باشد و دانش خود را با زبان حال تطبیق دهد، اثرش در

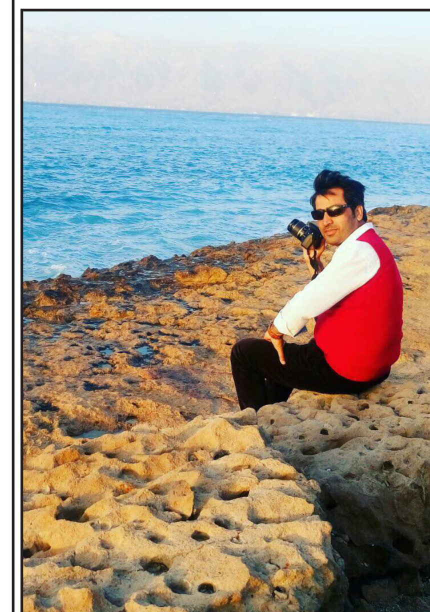


کوره‌دهات هم می‌تواند مردم را تحت تأثیر قرار دهد. حال آنکه بسیاری در تهران می‌خواهند با جاروهو و جنجال خود را مدام در رسانه‌ها مطرح کنند.
– به هر حال نمی‌توان منکر حضور رسانه‌ها شد. برخی از هنرمندان به واسطه حضور مستمر و مداوم در همین رسانه‌ها بیشتر شناخته می‌شوند. این موضوع را قبول دارید؟
– این روزها از میان شاعرانی که مدام در رسانه‌ها حضور دارند، به سختی می‌توان ۱۰ شاعر خوب پیدا کرد چرا که آنان نیز تحت تأثیر فضای مجازی به زبانی مکانیکی رسیده‌اند و آثارشان تاریخ مصرف دارد. ولی هر زمان که شعرهای آتشی، فروغ یا شاملو را می‌خوانیم برای ما نو است و این یعنی شعر بکر. همچنان که نویسندگانی مانند بزرگ علوی یا جمالزاده زبان امروزی ندارند هرچند تأثیر گذار هستند ولی نویسنده‌ای مانند صادق چوبک امروز هم همچنان مورد توجه است و این نشان می‌دهد هستند کسانی که فراتر از زمان خود فکر می‌کردند و چه بد است اگر هنرمندی نتواند به فراتر از زمان خود برسد. این روزها خیلی‌ها در تهران هو و جنجال می‌کنند ولی آثارشان حتی به این وسیله هم دیده نمی‌شود. اتفاقا شرایط اقلیمی نقطه قوت خوبی است چون باعث گونه گونی آثار ما می‌شود. متاسفانه این روزها در تهران مدام شاهد خلق داستان‌هایی با موضوعات آپارتمانی هستیم و هیچ جهشی دیده نمی‌شود هرچند در همین تهران هم هستند نویسندگان جوانی که خیلی خوب می‌نویسند به ویژه در میان خانم‌ها. کسانی هستند که با قوه تخیل خود می‌نویسند. البته این نکته را هم فراموش نکنیم برخی از نویسندگان تنها با کتاب اول‌شان دیده می‌شوند و بعد از آن فید می‌شوند. من حدس می‌زنم که آنها با تخیل دیگران آمدند و نوشتند چون اگر با تخیل خودشان بود حتی تا ۹۰ سالگی هم توان نوشتن می‌داشتند. اجازه دهید در اینجا از احمد محمود دیگر نویسنده جنوبی هم یاد کنم. او هم در سایه قرار داشت و مانند کسانی نبود که با جار و جنجال خود را مطرح می‌کنند و معتقدم نویسنده‌ای بود که هنوز هم شناخته نمی‌شود. اما مگر احمد محمود چه چیزی از نویسنده‌ای مانند داستایوسکی کم داشت؟! آثار او را بنگرید که چه تعداد شخصیت دارند. چه قدر روانشناسی پشت آنهاست اما او هم به اندازه‌ای که شایسته‌اش باشد، شناخته نشده است و حال آنکه از او به عنوان پدر داستان‌نویسی اجتماعی معاصر یاد می‌کنیم.
– و سخن آخر درباره منوچهر آتشی؟
– منوچهر آتشی از شاعران گرانسنگ روزگار ما است که به خوبی ادبیات کهن را می‌شناخت و از آن گذر کرده بود. بعد از انقلاب بار دیگر به زادگاهش بوشهر بازگشت و مشغول به کار شد. هیچ چیزی نمی‌توانست سد راه تخیل زنده و فعال او شود. وقتی اواخر عمرش به تهران آمد و در مؤسسه «کارنامه» مشغول به فعالیت شد، درخشش تازه‌ای پیدا کرد و مردم بیش از پیش او را شناختند. درباره شعرش هم باید بگویم ساختار شعر آتشی، ساختاری بود همانند تراژدی‌های یونانی و این ویژگی در آثار او به خوبی دیده می‌شود. آندره بونار می‌گوید ترس انسان از قداست، موجب می‌شود محیط او آکنده از سر و راز شود و این گفته دقیقا می‌تواند شعرهای آتشی را مطرح کند.
منبع: روزنامه اعتماد

نسیم جنوب
ادب و هنر
شماره ۸۵۲ یکشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

دیدگاه یک هنرمند فعال در منطقه پارس جنوبی در خصوص جاذبه های بصری سواحل خلیج فارس:

جاذبه های خلیج فارس نیاز به قاب شدن دارند



حسین ایزدپناه عکاس و فعال هنری است، وی که در جنوب استان بوشهر زندگی و کار می کند، پیشتر و در سالهای دورتر فعالیت های رسانه ای خود را با روزنامه نگاری آغاز کرد، حالا و در چند سال اخیر هدفی مشخص را با استفاده از حرفه عکاسی آغاز نموده است. هدفی که او را واداشته تا صخره های سنگی، روستاهای ساحلی و جزایر خلیج فارس را در قاب دوربین عکاسی نه چندان گرانقیمت خود به تصویر بکشد و آنها را در نمایشگاه ها و اماکن عمومی به نمایش بگذارد و البته از این طریق درآمد کسب نماید.
ایزدپناه که دوره آموزشی عکاسی را در مؤسسه سروش گذرانده تلاش دارد تا مؤلفه های طبیعی و تاریخی حاشیه های خلیج فارس در جنوب استان بوشهر و استان هرمزگان را در کنار پدیده هایی چون صنعت فارغ از تأثیر مخرب یا مثبت آن به تلفیقی بانشاط و پر انگیزه برای فعال کردن صنعت گردشگری تبدیل نماید.
این عکاس جنوبی در این باره به خبرنگار نسیم جنوب می گوید: به نظر من سهم چشم اندازهای دریایی و نوار ساحلی جنوب در پوسترهای مربوط به مناظر طبیعی ایران اندک است و ظاهرا پتانسیل های این بخش چندان به چشم تبلیغات گردشگری نمی آید. علیرغم افزایش گردشگران داخلی در سالهای اخیر اما هنوز تبلیغات به صورت جدی برای معرفی این جاذبه ها با هدف جذب گردشگر و سرمایه گذاری بخش گردشگری صورت نپذیرفته است.
وی در ادامه بیان داشت: آنچه مرا واداشت که مسیر عکاسی را برای معرفی چشم اندازهای منحصر به فرد خط ساحلی جنوب استان بوشهر انتخاب نمایم، بهره گیری همزمان این مناطق از مؤلفه های طبیعت، تاریخ و پدیده جدید صنعت می باشد که در حال حاضر برگی از شناسنامه پر زرق و برق خلیج فارس را تشکیل می دهد. از طرفی دیگر فرایند نور و رنگ در کنار سنت های قومی گاه مغفول مانده مردمان این دیار سبب شده است تا برخی عکاسان حرفه ای کشور به تازگی لنزهای خود را روی این نوار جغرافیایی پرنشاط زوم کنند. حتی برخی توانسته اند جوایز بین المللی نیز کسب نمایند.

در باب فرهنگ

فرهنگ، داشتن ذهنی مملو از دانسته‌ها نیست، بلکه توانایی ذهن ماست در درک زندگی، شناخت موقعیتی که در آن قرار داریم و فهم روابطی که با انسان‌های دیگر داریم. کسی دارای فرهنگ است که به خودآگاهی دست یافته و قادر به برقراری روابطی پایدار با تمام موجودات دیگر باشد. فرهنگ و فلسفه چیزهای یکسانی هستند. هر انسانی کم و بیش یک فیلسوف است: هرچه انسانیت بیشتری داشته باشد، فیلسوف‌تر خواهد بود. فرهنگ، فلسفه و انسانیت، همگی گزاره‌هایی قابل ارجاع به یکدیگر هستند. بطوری که هر که بخواهد، می تواند فیلسوف و با فرهنگ باشد؛ فقط کافیست با انسان‌ها زندگی کند، به عبارتی، در پی تفسیر کنش‌های خود و دیگران در ذهن خویش باشد. چشم‌هایش را همیشه باز نگه دارد، و نسبت به همه چیز و همه کس کنجکاو باشد؛ برای فهم هرچه بیشتر ارگانیسمی که به آن تعلق دارد، تقلا کند؛ با تمام نیروی آگاهی، شورمندی و اراده‌ی خود، بر زندگی تأثیر بگذارد؛ هرگز سستی و کاهلی به خود راه ندهد، برای زندگی ارزشی واقعی قائل باشد، و با آمادگی کامل، هر جا که نیاز بود از زندگی دفاع و حتی آن را فدا کند. فرهنگ معنای دیگری ندارد.

یادداشتی از آنتونیو-گرامشی ۱۹۱۶
ترجمه ی ماریا عباسیان

من دریافته ام که دوست داشته شدن هیچ و اما دوست داشتن همه چیز است و بیش از آن بر این باورم که آنچه هستی ما را پر معنی و شادمانه می سازد، چیزی جز احساسات و عاطفه ما نیست... پس آنکس نیک بخت است که بتواند عشق بورزد.

هرمان هسه
هرمان هسه و شادمانی های کوچک

اختران سوخته بر خاک تیره

به بهانه زادروز شاملوی شاعر

بابک شاکر



لوکاچ در کتاب جامعه شناسی رمان می نویسد شرکت یا عدم شرکت نویسندگان در زندگی اجتماعی و درگیر شدن آنها در پیکارهای موجود جامعه یا تماشاگر صرف بودنشان تفاوت های بنیادینی در طریقه های آفرینش هنری آنها به جای می گذارد. این تفاوت‌ها نیز منجر به فرایندهای آفرینش کاملا متضادی می شود و در نتیجه تجربه‌ای که اثر هنری از آن برمی‌خیزد، ساختار دیگرگون پیدا می کند. همچنین صورت‌بندی آفرینش به شیوه‌ای متفاوت خواهد بود.
با توجه به گفته لوکاچ باید دید آیا نویسنده یا شاعر در بطن جامعه است یا اینکه صرفا به تماشا نشسته و منفعل‌گونه ای بیش نیست. احمد شاملو را می توان مصداق سخن لوکاچ درباره نویسندگان درگیر اجتماع دانست. شاملو در جامعه و پیکارهای سیاسی اجتماعی مشارکت دارد و شاعری است صاحب نمادهای شخصی و خاص خود؛ نمادهایی که در شعر او تفاسیر ویژه او را دارند و در تأویل آنها بر خوانندگان باز است. و البته در پس آنها ایدئولوژی و نگرش خاص شاعر درباره مسائل مربوط به انسان و جامعه نهفته است. شاملو با بیان اساطیری، اسطوره‌سازی، تمثیل و نمادگرایی، تصویرگری، هنجارگریزی و رنگ طنز اشعارش به روایت اوضاع زمانه خود می پردازد.
یأس و امید، دو سویه عواطف و احساسات شاعر، اشعار اجتماعی و ایدئولوژیکی می‌آفرینند که مخاطب در «هوای تازه» آنها تجربه‌های متفاوتی از شاعر را نفس می‌کشد. نام شاملو در تبارشناسی شعر سیاسی اجتماعی همواره حضور دارد و در واقع او ادامه کسانی چون سیف فرغانی است و شاعر معترضی که به واسطه تفکرات خاص خود با وجود بر سر زبان بودن‌ها و در میان جان بودن‌ها همچنان در کناره است و این خاصیت شاعری است.
شاملو بی توجه به اشعار دوره آغازین شاعری‌اش، به گفته خود دیر اما ناگهان بیدار می‌شود و تعهد را تا مغز استخوانهایش حس می کند. عشق، اندیشه و تعهد اجتماعی اضلاعی می‌شوند برای رسم ساختار هندسی اشعار او؛ اضلاعی که در یک خط ناموازی به موازات یکدیگر حرکت می کنند. شاملو با روش خاص خود به بازآفرینی واقعیات اجتماعی در شعر خود می‌پردازد؛ بازآفرینی که فراتر از توصیف صرف واقعیات است. شعر او همچون آینه‌ای هزار تکه است که در هر تکه‌اش می‌توان تصاویری را نظاره کرد که ریشه در وضعیت نظام موجود دارند. در بازتاب این تصاویر است که می توان شعر او را تفسیر و تجلی انسان و اجتماع را نظاره کرد و نیز مفاهیم جامعه‌شناختی متن را بیرون کشید.
شاملو دیوارهای فردیت را می‌شکند و از منِ فردی خود فاصله می گیرد و دارای ایدئولوژی و اندیشه خاص خود می‌شود. و اینجاست که می بینیم سخن آدرنو در مقاله «سخنی پیرامون شعر غنایی و اجتماع» رنگ می بازد.؛ وقتی که او می گوید زدن برچسب ایدئولوژی به آثار هنری بزرگ، ظلم به آنهاست و ایدئولوژی به مفهوم شکست اثر است. در شعر شاملو اما نه تحریف ایدئولوژی را می بینیم و نه ظلم به حقیقت خاص محتوای اثر. شاملو در واقع با همین ایدئولوژی است که شاملو می‌شود. او به اومانیسمی روی آورده است که به زعم زنده‌یاد محمد مختاری دستاوردی «قابل اعتنا و شورانگیز» است. پرداخت به انسان یعنی پرداخت به هر آنچه که در ارتباط با انسان قرار می گیرد و این نشانگر تعهد شاعر به اجتماع است. دقیقا همین جاست که درمی‌یابیم شناخت شاملو از انسان و اوضاع جامعه و نظام موجود تا چه حد دقیق و موشکافانه است. این تدقیق اما وقتی او در وادی شاهنامه و حماسه پای می نهد، ضعف می یابد و سخنان او در این باب رنگ علمی و مستند ندارد. همچنین در حوزه داستان نمی تواند با وضعیتش در شعر پهلو بزند. شاملو شاعر است و در شعر است که در چکاد و اوج ایستاده است. اوجی که او را از هر سر تسلیم فرو آوردنی باز می دارد و تیزی و حدت قلمش را در خدمت اجتماع قرار می‌دهد. شاملو پس از وقایع سیاسی خاصی که در زندگی اش با آن مواجه می‌شود، اگر دچار فترتی هم شود دوباره باز می‌ایستد و شجاعانه فریاد می‌زند. حتی وقتی شب با گلوی خونین می خواند، او به سان شاخه‌ای در سیاهی جنگل به سوی نور فریاد می‌کشد.
قلبت را چون گوشی آماده کن / تا من سرودم را بخوانم:- سرود جگرهای نارنج را که چلیده شد / در هوای مرطوب زندان.../ ...در هوای شکنجه.../ در هوای خفقانی دار / و نام‌های خونین را نکرد استفراغ / در تب دردالود اقرار
(سطوری از دفتر ۲۳)



کنکاش در مطبوعات محلی استان بوشهر

حمید حیدری

سال هاست که گیشه دکه های مطبوعاتی موجود در استان و حتا شهرستان های پیرامون انباشته از هفته نامه هایی است که با عناوین مختلف خودنمایی و به حول و قوه الهی هر ساله بر حجم آن افزوده می گردد.
در این جا سؤال های بی شماری ذهن آدمی را به خود معطوف می سازد. ۱- آیا اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در جستجوی افزایش میزان مطالعه میان مردم است؟ ۲- با افزایش تعداد جراید محلی، آیا کیفیت آنان مدنظر قرار می گیرد؟ ۳- ملاک افزایش روزافزون جراید در استان چیست؟ ۴- حمایت هایی که از هفته نامه ها به عمل می آید بر چه اساسی صورت می گیرد؟ ...
آنچه که اولویت دارد این موضوع می باشد که مجوز انتشار یک هفته نامه محلی بر چه اساسی صادر می گردد؟ جرایدی که بدون حساب و کتاب خاصی وارد بازار نشر می شوند، خیلی زود به باده فراموشی سپرده و از رقابت خارج می گردند. و یا این که یکی در میان به چاپ می رسند!
در جمله قبل کلمه «رقابت» جهت باقی ماندن یک هفته نامه در بازار نشر به میان آمد. این نکته چندان جای نگرانی و یا تعجب ندارد. تأمل کردن بر این مطلب، می تواند بازار خرید هفته نامه های محلی در استان را جان تازه ای بخشیده و سبب دلگرمی اهالی مطبوعات و آشتی میان جراید و مردم گردد.
در حقیقت اکنون متضرر واقعی جامعه، مطبوعات است. جامعه ای که نیاز مبرم به کیفیت بخشیدن در کنار تکیه بر کمیت ها دارد. کیفیت بخشی در نوع چاپ، عکس، متن، اندازه، تیراژ و قیمت مناسب است.
مردمی که هزینه و وقت خود را به تهیه یک جریده محلی اختصاص می دهند، منت بر مطبوعات گذاشته اند. این مردم لایق آن هستند که بهترین ها را برای جلب نظر آنان فراهم نمود.
متأسفانه هفته نامه هایی که تعداد آنان کم نیز نمی باشد، طی سال های اخیر هدف اولیه خود را جلب توجه بنگاه های تبلیغاتی در جهت دریافت مبالغی حاصل از این منظر قرار داده اند!
هر چند که نمی توان یک طرفه به قاضی رفت و تنها مطبوعات را سرزنش نمود. برای اداره یک هفته نامه زحمات زیادی باید کشید. تلاش های فراوانی



لازم است تا یک جریده بتواند روی پای خود ایستاده و بتواند نسیم خنک و دل انگیز مطالعه را در میان هم استانی های عزیز رونق ببخشاید. مطالب کوتاه و مورد نیاز، مقاله های تولید شده و نه کپی رایت، عکس های جذاب و به روز که حرف دل مردم را بازگو کند، اینها خواسته های به حق شهروندان بوشهر از جراید محلی است. افرادی که در دفاتر مطبوعاتی به شغل وزین خبرنگاری و روزنامه نویسی مشغول به کار هستند باید زبان گویای مردم کوچه و بازار باشند. مردم وقتی جراید را خریداری می کنند که حرف دل خود را در آن بیابند. باید کار را به کاردان واگذار نمود.
جامعه مطبوعاتی نیاز به تربیت آدم هایی دارد که با قلب خود در این راه وارد شوند. چنانچه جامعه مطبوعاتی استان در جستجوی رونق بخشی به ساز و کار افزایش مطالعه در میان اقشار مختلف جامعه است با این حرکت لاک پشت وار، ره به جایی نخواهد برد.
یک حرکت جهادی و همسو میان دفاتر مطبوعات و فرهنگ و ارشاد اسلامی نیاز است. دست ها را باید در هم گره و به آینده مطبوعات کمک نمود.
به امید روزی که جراید محلی استان با بهترین کیفیت و کمیت در چاپ-دارای ویژگی های نشر- بدون اندکی نگرانی در تحصیل هزینه های موجود، هفته نامه های خود را در اختیار شهروندان بوشهری قرار دهند.

معاون سوادآموزی استان بوشهر خبر داد؛

برگزاری مسابقه انشاء نویسی پرسش مهر ۹۶ ریاست جمهوری



معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان استان: با هدف ارتقاء سطح توانمندی سوادآموزان دوره انتقال مسابقه ملی انشاءنویسی پرسش مهر ریاست جمهوری در استان اجرا می شود.
غلامرضا دانش فر، در نشستی رسانه ای در شهر بوشهر با بیان اینکه در سال های گذشته از سوی سوادآموزان استقبال خوبی از "مسابقه انشاءنویسی پرسش مهر ریاست جمهوری" صورت گرفته است، اظهار داشت: همزمان با سراسر کشور در استان بوشهر نیز مسابقه ملی انشاءنویسی پرسش مهر ریاست جمهوری از یکم تا هفتم دیماه در بین سوادآموزان دوره انتقال و خانواده های آنها برگزار می شود.
معاون سوادآموزی استان با تأکید بر اختیاری بودن انتخاب موضوع مسابقه ملی انشاءنویسی یکم تا هفتم، افزود: خاطره و تجربه خود درباره احترام و تحمل دیگران، چگونگی رواج فرهنگ احترام به دیگران، چگونگی تربیت فرزندان با اخلاق و صبور، راه های بالا بردن سطح تحمل خود در برابر دیگران در خانواده، مدرسه و جامعه از جمله مهمترین موضوعات این مسابقه خواهد بود.
وی ادامه داد: تقویت روحیه مشارکت جویی در بین سوادآموزان و خانواده های آنها، بهبود رفتار و اخلاق سازنده سوادآموزان برای ارتباط مؤثرتر دیگر افراد جامعه و مشارکت فعال تر در عرصه های اجتماعی و ارتقاء سطح آگاهی سوادآموزان نسبت به ترویج رفتارهای مثبت بین اعضا خانواده از دیگر اهداف این مسابقه ملی خواهد بود.
دانش فر گفت: علاوه بر انتخاب و تقدیر از ۱۰ از نفرات در سطح استان، ۲ درصد از نفرات برتر هم برای انتخاب نفرات برتر ملی نیز به مرحله کشوری ارسال خواهد شد.
وی در خاتمه با تأکید افزود: انتظار است با استفاده از ظرفیت های موجود از جمله تبلیغات رسانه ای، تریبون های ائمه محترم جمعه و جماعات، مشارکت و همکاری بیشتر دستگاه های اجتماهی و فرهنگی- آموزشی شاهد برگزاری مسابقه ای باشکوه در استان باشیم.

چشم اندازی به انقلاب صنعتی چهارم۱

کتاب بهترین دستاورد انسان است

ناصر علیخواه



کتاب «انقلاب صنعتی» نوشته: کلوس شواب ترجمه پروفسور ایرج نبی پور منتشر شده که به آدرس ذیل این نوشته قابل دریافت است.۲
پروفسور شواب مهندس و اقتصاد دادن آلمانی بیش از چهار دهه در مراکز مور جهانی بوده و برداشت های وی از شیوه ی «انقلاب صنعتی چهارم» که چگونه در زیست، کار و ارتباط ما با یکدیگر تحول ایجاد می کند و می تواند بسیار آگاه کننده باشد این کتاب از ۲۷۷ صفحه ای با پنج سرفصل که هر یک از سرفصل هایش از چندین بخش به این مسئله مهم انقلاب صنعتی همراه با ردیف مشخص در چند مورد به آن پرداخته که با دقت نظر کافی و آشنایی به فنون این علوم برای هر قشری قابل فهم و حزم است.
انقلاب صنعتی چهارم، از بسیاری چالش های گوناگون و افسون گرانه که ما هم اکنون با آن مواجه ایم مهمترین و شدیدترین چالش است. که چگونه انقلاب فناوری نوین را درک نموده و آن را شکل دهیم. که بسیار پیچیده و زمان بر که با سرعت و گستردگی این انقلاب نوین را دریابیم که چگونه در زیست، کار و ارتباط با یکدیگر تحول ایجاد کند. این مقدمه باعث شد که نسبت به معرفی کتاب «انقلاب صنعتی چهارم» ضمن بررسی و معرفی آن به دوستداران فناوری به ویژه در زمینه ی تحولات شگرف که در هر لحظه در حال پیشرفت است به کمک اطلاعات دست یابی خواسته های واقعی نزدیک و نزدیک تر شود. بی شک مطالعه این کتاب می تواند در آینده نگری و تدوین چهارچوب های راهبردی در گستره های علم و فناوری جامعه، و دنیای کسب و کار برای پژوهندگان و ستایش گران عرصه سیاست علمی پرشتاب غنا باشد.
جهان از گذشته دور تا جهان کنونی که بیشتر تحولات آن به اواخر سال ۱۷۸۴ م در عرصه جهانی شاخص های بارز آن صورت گرفته با سه انقلاب صنعتی در گذشته شاهد بوده است.
نخستین انقلاب در سال ۱۷۸۴ م روی داد که مربوط به زمانی است که انسان توانست نیروی مکانیکی را در کنترل خود درآورد و بصورت نظام وار از جانوران دوری جوید. از جمله توسعه ماشین بخار نقش اساسی در این انقلاب ایفا نمود.
دومین انقلاب در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با ظهور اشکال نوینی از تولید محصولات صنعتی، خود را نشان داد. سامانه های دیجیتالی، ارتباطات مدرن و توسعه رایانه های مدرن طلیعه دار انقلاب صنعتی سوم شد که حاصل آن برای جامعه جهانی محصولاتی مانند تلفن های هوشمند و رسانه های اجتماعی را به ارمغان آورد.
درخشش این انقلاب همراه با اوج یافتن فناوری اطلاعات بود و اما حضور پایه انقلاب صنعتی چهارم، انقلاب دیجیتالی است که براساس آن شیوه های نوینی تدوین گردید که: در فناوری آن می توانند در جوامع نفوذ یافته و حتی در بدن انسان کاشته شوند پیشرفت در رباتیک و اتوماسون، هوش مصنوعی، فناوری نانو و زیست فناوری های عصبی و فزونی دهندگان مغز، ویرایش برای آگاهی از نویدهای بزرگ و نگرانی های ژرف این انقلاب صنعتی نوشته «پروفسور کلوس» که بنیانگذار و صاحب کرسی اجرایی فروم اقتصادی جهان با عنوان «انقلاب صنعتی چهارم» می تواند ترسیمی فکورانه را از چهارچوب های این انقلاب برای ما عرضه نماید.
زیرا ارزش گذاری این فناوری پیچیده نسبتاً نوشته ای ساده در امر فراگیری از اهمیت خاصی برخوردار است. ترجمه این کتاب به همت پروفسور ایرج نبی پور عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران گروه آینده نگاری، نظریه پردازی و رصد کردن سلامت، ترجمه شده است که آشنا در اکثر زمینه های فناوری و سایر علوم به حمداله برخوردارند. آرزوی توفیق روزافزون ایشان از خداوند منان مسئلت دارم.

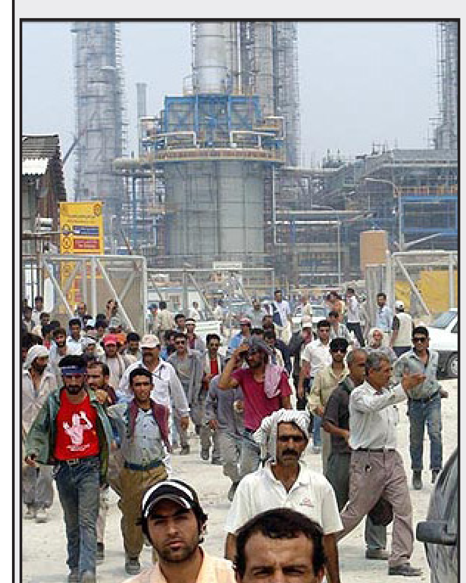
پی نوشت ها:

۱- انقلاب صنعتی چهارم نوشته، کلوس شواب، ترجمه دکتر ایرج نبی پور، چاپ اول تابستان ۱۳۹۶
۲- ناشر انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی بوشهر
۳- چاپ نزهت
۴- بوشهر: خیابان معلم، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی

اشکالات پیش روی آزمون استخدامی وزارت نفت

اجحاف وزارت نفت در حق نیروهای متخصص استان بوشهر

محمدعلی عبدالشیخی



بعد از سال ها انتظار و طی کش و قوس های فراوان ثبت نام آزمون استخدامی وزارت نفت آغاز شد, اما باز هم حاوی همان قصه تلخ فراموشی و بی اهمیتی به میزبان نجیب شرکت های تابعه این وزارت خانه بود!

چرا می بایست روح و روان مردم مظلوم این استان, هر باره بازیچه دست چند نامدیر باشد؟

آقای نماینده و مسئول اگر جایگاه نمایندگی و وظیفه کاری خود را نمی شناسید, پس چه بهتر که این جایگاه را تحویل دهید!

از کجای این قصه و شرط های چندگانه و عجیب از رتبه های کنکوری و معدل برای فارغ التحصیلان دانشگاه های دولتی و آزاد و ... بگویم, شروطی که امید را برای جوانان تحصیلکرده این استان برای نه تنها موفقیت بلکه حضور در این آزمون به صفر رسانده است.

آقای نماینده اگر شما هم مثل شیخ الوزرای دولت نسبت به چگونگی تقسیمات کنکوری استان بوشهر مطلع نباشید که دیگر به اصطلاح باید این در را تخته کرد!

آقای نماینده و مسئول!

رتبه های کنکوری استان بوشهر برای پذیرش در دانشگاه منطبق بر منطقه سوم کشوری لحاظ می شوند, پس چگونه است که با این شرایط نابرابر شرط رتبه ۴۰۰۰ کشوری را ملاک برای حضور در آزمون قرار داده اند؟

آقای استاندار و نماینده محترم!

آگاه باشید که به دلیل تفاوت در سطح امکانات آموزشی که باز هم قاصر آن شما هستید, اگر قرار باشد رتبه پذیرفته شدگان دانشگاهی استان بوشهر برحسب رتبه کشوری سنجیده شود, حتی فارغ التحصیلان ممتاز دانشگاه دولتی استان (خلیج فارس) نیز شانس حضور در این آزمون را پیدا نخواهند کرد!

از قرار دادن شرط معدل های عجیب برای دانشگاه آزاد و التزام به داشتن چهار سال سابقه کار مرتبط نیز فعلا گذر داریم.

اما آقای استاندار و نماینده محترم!

آگاه باشید که با تفسیر قانون حق استخدام ۵۰ درصدی بومیان استان بوشهر در آزمون های وزارت نفت از سوی این وزارت خانه نیز طبق روال سابق دچار دستخوش شده است!

حق استخدام از ۵۰ درصد نیروی بومی به ۲۵ درصد تقلیل پیدا کرده است, آن هم ۱۵ درصد برای شهرستان میزبان و ۱۰ درصد تنها برای استان که با این تفاسیر قطعا این ۱۰ و ۱۵ نیز سهم استان بوشهر نخواهد شد!

آقا و خانم نماینده!

مردم استان باید آگاه باشند که در ابتدای امر, شما هیچ گونه پیگیری و تلاشی مربوط به این قضیه نداشتید, واقعا تلاش قاطع همکاران شما در مجمع نمایندگان استان خوزستان در دفاع از حق نیروهای بومی استان شان در این آزمون نیز باعث نشد که شما نسبت به این ناحقی اندکی تحریک شوید؟

چرا در هر نقصانی فشار عمومی و خواست مطالبه گران اجتماعی استان باید شما را مجبور و وادار به پیگیری قضیه نماید؟

قطع به یقین بدانید که اگر در این قضیه نسبت به اعاده حقوق مردم استان بوشهر تلاشی که منتج به نتیجه باشد, نکنید, مردم این استان را در جریان خیلی از اتفاقات ناخوشایند از مجموعه کاری شما خواهم گذاشت و بدانید که در دفاع از حق مردم شهر و دیارم هیچ گونه تعارف و ترسی نخواهم داشت.

منبع: پایگاه خبری عصر بوشهر

حکایت شهرستانی که دو فرماندار دارد

دو پادشاه در یک اقلیم

سجاد بهزادی



سعدی عبارتی روشن و ظریفی دارد؛ "ده درویش در اقلیمی بخسبند و دو پادشاه در اقلیمی نگنجند." اما آیا حال و روز این فصل از مدیریت شهرستان جم تصدیق عبارت این شاعر نامدار ایرانی است یا حقیقت چیز دیگری است؟ روزانه عکس های زیادی در رسانه ها می بینیم که رئیس شورای شهر جم که در گذشته فرماندار برخی شهرستان های استان نیز بوده است و من در این یادداشت او را پادشاه اول می نامم؛ با فرماندار شهرستان که من او را نیز به دلایلی پادشاه دوم شهرستان می دانم با هم دیده می شوند. یکی به میل و اراده مردم و دیگری انتصاب دولت است و انتظار است هر دو از سریر عزت به شوکت و جلال و توسعه شهر و شهرستان بیفزایند. هر دو سیاسی اند و یکی سیاسی تر؛ انشالله این سیاست برای رفاه عمومی شهرستان بکار آید، نه آن سیاستی باشد که به زعم "نیکولو ماکیاولی" در کتاب شهریارش، رهبران را آن‌طوری که باید باشد به مردم نشاند می دهد و نه آن‌طوری که هست.

نویسنده این یادداشت حضور "دو پادشاه در یک اقلیم" را شمشیری دو لبه برای توسعه شهرستان می داند که هم می تواند فرصت باشد و هم سبب تهدید.

یکم: گرفتار انقیاد دو پادشاه نشویم.

"مونتسکیو" از دسته فیلسوفان سیاست پیشه ای است که همیشه نگران هم شکلی و میان مایگی و بلکه فرومایگی رعایا بود. او اعتقاد داشت رعایا، در سطحی معتدل تر آیینه و بازتاب اربابانشان هستند. مردم هر شهر اگر در انقیاد حاکم شهر گرفتار شوند خیلی زود مبتلا به سرسپردگی می شوند و بعد از مدتی به این سرسپردگی عادت و سپس علاقمند و حتی از این کار زشت لذت می برند. این نکته در حقیقت لازمه هوشیاری رسانه ها و فرهیختگان شهر است. اگر چه ظاهر امر شهرستانی با فرصت دو پادشاهی داریم، اما اگر در انقیاد پادشاه باشیم فرصت هایی که هست تبدیل به تهدیدهایی می شود که ما نیز آرام آرام سرسپرده تر می کند و لذت وار با آنها زندگی می کنیم. نویسنده هرگز علاقمند نیست ارزش های شخصی خود را وارد تحلیل سیاسی نوشته شده کند اما جامعه امروزی ما، از خردمندانش گرفته تا توده ها؛ به طور غم انگیزی با مصیبت های روزگار خود مدارای نجیبانه ای دارند و لذا چاره ای جز آگاهی بخشی و تابیدن نور به تاریکی نیست.

دوم: کنش عقلانی معطوف به ارزش در دو پادشاه .

هر دو پادشاه از وقتی در یک اقلیم و در کنار هم کار می کنند اگر چه تغییر یا جهشی در وضعیت رفاه عمومی شهر و شهرستان شکل نگرفته است اما تاکنون نوعی کنش عقلانی معطوف به ارزش را در بین خود حفظ کرده اند. پادشاه اول شهرستان، بنا به ارزش هایی که در دیوانسالاری سنتی جامعه ما وجود دارد تلاش می کند در بازدیدهایی که از پروژه ها هست و یا نشست هایی که برگزار می شود یک قدم و نه بیشتر، عقب تر قرار گیرد. وی اگر هم اندیشه هایی بزرگ تر داشته باشد اما کنش های عقلانی خود را معطوف به ارزش حفظ می کند. به حریم ها حداقل تا این لحظه وفادار مانده است. این رفتار اگر چه برای شهرستان آرامش بخش است اما کنش ها نمی تواند مدام معطوف به "ارزش" باشند و باید معطوف به "هدف" گردد و کاشت و داشت عینی آن برجسته باشد. کنش های معطوف به ارزش آسیب های جدی را به فرصت ها و ایده های جدید وارد می کند. نویسنده این نگرانی را دارد که چنانچه کنش ها و رفتارهای دو پادشاه در پوششی "معطوف به ارزش" طولانی تر شود، هم زادپنداری خطرناکی میان این دو شکل گیرد. وقتی دو پادشاه با یکدیگر هم زادپنداری می کنند منافع شخصی در آن برجسته می شود و از هم سهم خواهی می کنند. یکی در مقام توصیه گو قرار می گیرد و دیگری بله قربان گو. یکی مشاور خود را به پادشاه قالب می کند و دیگر پادشاهی به خاطر حفظ قدرت تسلیم این سهم خواهی ها می شود.

سوم: تهدید فساد زبانی.

گفته می شود گاهی تاریخ مکتوب هم به دلیل "فساد زبانی" و عشق به چاپلوسی در میان پادشاهان قابل اعتماد نیست. در حالی که بنظر می رسد فساد زبانی بیشتر نسبت طبقه فرودست با فرا دست را تعیین می کند آیا می توان نگران بود "دو پادشاه در یک اقلیم" هم گرفتار این عارضه خطرناک شود؟ پاسخ بلی است. فساد زبانی زهری است که بیش از همه قاتل صداقت می شود و آن را از پای درمی آورد. در فساد زبانی بیم آن می رود که پادشاه دوم برای بقاء خود به ایفای نقش تن دهد و تنها ظاهر قانون مداری را حفظ کند. نویسنده این سطور به نوعی به هر دو پادشاه رأی داده است. یکی مستقیم و دیگری غیر مستقیم. اما آنگونه که فروید اعتقاد دارد هر فردی در هر منصبی که قرار دارد اگر باد غرور داشته باشد یا که در پوستینی از اخلاق پنهان شده باشد، می تواند دشمنی بالقوه برای سرزمین و تمدن خود باشد. امید است الگوی شاهانه ای که امروز در شهرستان ما وجود دارد سبب رفاه شهروندی شود و به جای تهدید، فرصتی برای توسعه باشد؛ قبل از آنکه فساد را در درون خود بازتولید کند.

صنعت نفت حق میزبان را ادا کند

قصه زندگی در جوار غول‌های نفت و گاز / سهم مردم بیکاری و آلودگی است


photo : Reza Safaei

وقتی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های استان بوشهر را می‌شماریم، لقب پایتخت انرژی و قطب اقتصادی کشور برازنده این استان زرخیز می‌شود، استانی که در هر نقطه آن معدنی از ثروت قرار گرفته است.

استان بوشهر از شمالی‌ترین تا جنوبی‌ترین نقطه میزبان صنایع عظیم نفت و گاز و پتروشیمی است و بخش قابل‌توجهی از گاز کشور در این استان تولید می‌شود، بخش اعظم نفت کشور از اینجا صادر می‌شود و دارای بزرگ‌ترین مجتمع‌های پتروشیمی است.

استان بوشهر علاوه بر میزبانی از صنایع نفت و گاز، در زمینه صادرات محصولات نفتی و گازی و پتروشیمی دیگر استان‌ها نیز فعال است

به گزارش خبرگزاری مهر، این‌ها تنها بخشی از توانمندی‌های استان بوشهر در زمینه صنایع نفت و گاز است؛ چراکه بخشی از نفت کشور در این استان تولید شده و این استان علاوه بر میزبانی از صنایع نفت و گاز، در زمینه صادرات محصولات نفتی و گازی و پتروشیمی دیگر استان‌ها نیز فعال است.

اقتصاد ایران وابسته به نفت است و ۹۵ درصد نفت کشور از استان بوشهر صادر می‌شود، در کنار آن حدود ۴۰ درصد از صادرات غیرنفتی کشور نیز از طریق استان بوشهر انجام می‌شود و این دو مورد به خوبی نقش استان بوشهر در اقتصاد و درآمد کشور را نشان می‌دهد.

عقب‌ماندگی‌های استان بوشهر

استان بوشهر در حالی به عنوان پایتخت انرژی و قطب اقتصادی کشور شناخته می‌شود که در بسیاری از زمینه‌ها با عقب‌ماندگی روبرو است و صنایع در این زمینه یار و مددکار استان بوشهر نبوده‌اند.

اشتغال یکی از مهم‌ترین نیازهای مردم استان بوشهر و به‌ویژه جوانان است ولی در حالی‌که حدود ۱۰۰ هزار نفر در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی استان بوشهر مشغول به کار هستند، سهم نیروهای بومی حدود ۳۰ درصد است.

بیکاری جوانان در کنار صنایع عظیم نفت و گاز و پتروشیمی بیانگر بی‌توجهی صنایع به محیط پیرامونی است و البته این موضوع مربوط به امروز نیست و از همان ابتدای ساخت پارس جنوبی این بی‌توجهی به نیروهای بومی صورت گرفته است.

سهم مردم از پارس جنوبی آلودگی و بیکاری است

امام‌جمعه عسلویه خواستار توجه به اشتغال مردم و میزبانان پارس جنوبی در صنایع این منطقه شد و گفت: طبق گزارش‌هایی که به ما رسیده یک سری استخدام‌ها انجام‌شده در حالی‌که استخدام نیروهای بومی از انگشتان دست هم کمتر است. ظاهراً این آزمون‌ها برای این است که عریضه خالی نباشد و بعد نورچشمی‌ها جذب می‌شوند.

حجت‌الاسلام سید علی هاشمی‌نژاد خاطرنشان کرد: فلرهای خفه‌کننده نصیب مردم بیدخون و عسلویه می‌شود ولی آیا این انصاف و عدالت است؟ آقای وزیر، خانم وکیل، آقای استاندار، مطالبه حق مردم را بشنوید. مردم دردهای کهنه‌ای دارند، آلودگی و بیکاری ۲۰ ساله باعث نگرانی است. باید از سر صداقت مشکل مردم را حل کنید.

وی بیان کرد: یکی از مطالبات مهم مردم بحث رفع آلودگی مخرب است که دامن‌گیر این مردم است و باید فکر اساسی برای آن کنند که تاکنون فکری به حال آن نکرده‌اند.

متأسفانه برخی مسئولان تأسیسات وقتی فرد غیربومی مراجعه می‌کند بهانه می‌کنند که می‌خواهیم بومی بگیریم و وقتی یک بومی مراجعه می‌کند می‌گویند بعدا به شما خبر می‌دهیم اما بعدا متوجه می شویم اتفاق دیگری می افتد و نورچشمی‌ها سرکار می‌روند.

آلودگی شدید هوا و بی‌توجهی صنایع

یکی از مشکلاتی که با حضور صنایع نفت و گاز در پارس جنوبی ایجاد شده است، آلودگی شدید هوا و محیط‌زیست است که مردم را به شدت نگران کرده است.

بوهندی نجفی رئیس شورای اسلامی شهر نخل تقی در این مورد اظهار داشت: آلودگی هوا و محیط، نفس مردم عسلویه را به شماره انداخته است. آلودگی هوا در منطقه عسلویه ضمن افزایش بیماری‌ها جان مردم را به خطر انداخته است. کاش در کنار تشکیل ستاد احیای دریاچه ارومیه، ستاد نجات ساکنین عسلویه و کنگان هم تشکیل می‌شد.

رئیس شورای اسلامی شهر نخل تقی گفت: لازم است به اندازه سیاست‌گذاری برای حفظ یوزپلنگ و لاک‌پشت برای نجات و حفاظت از جان ساکنان مناطق هم‌جوار عسلویه هم برنامه‌ریزی کنیم.

پارادوکس ثروت و فقر

نماینده دیر، کنگان، جم و عسلویه در مجلس شورای اسلامی با تأکید بر لزوم توجه به جنوب استان بوشهر، گفت: پارادوکس ثروت و فقر در جنوب استان بوشهر همچنان باقی است و انتظار داریم نگاه ویژه‌ای به جنوب استان بوشهر شود و برخی از هزینه‌های گزافی که با وجود صنعت بر زندگی مردم آن خطه تحمیل‌شده را جبران کنند.

سکینه الماسی اضافه کرد: با وجود گذشت بیش از دو دهه از عمر پارس جنوبی و بیش از آن از عمر سایر شرکت‌های نفت و گاز هنوز معضل اشتغال جنوب استان حل‌نشده و اگر امروز مشکل اشتغال ذهنمان را مشغول نکرده بود می‌شد در حوزه زیرساختی ۴ شهرستان را گلستان کرد.

الماسی تأکید کرد: همان قدر که برای برداشت بیشتر از مخزن مشترک با آزمون و خطا، تدبیر و گاهی هم بی‌تدبیری و تحریم‌ها به هر در و دیواری زدیم تا قراردادی امضاء شود و سرمایه‌گذاری به منطقه بیاید، در سهیم بودن وضعیت خود در توسعه پارس جنوبی و استان بوشهر همچنان گام‌های نرفته زیادی داریم.

لزوم توجه صنایع به محیط پیرامونی

استاندار بوشهر نیز در گفت‌وگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: استان بوشهر میزبان صنایع عظیم نفت و گاز و پتروشیمی است و از شمال تا جنوب استان شاهد استقرار صنایع مختلف در این حوزه هستیم و این صنعت روز به روز در حال‌توسعه است.

عبدالکریم گراوند با بیان اینکه استان بوشهر میزبان شایسته‌ای برای این صنایع بوده است، تصریح کرد: این صنایع نیز باید به مسئولیت‌های اجتماعی خود در قبال مردم در محیط پیرامونی توجه ویژه داشته باشند.

وی اضافه کرد: با توجه به اینکه مردم همکاری لازم را با صنعت برای استقرار تأسیسات و انجام برنامه‌ها و ... دارند، صنعت نیز باید در مقابل به مردم و نیازها و مشکلات آن‌ها توجه کرده و برای تأمین خواسته‌های مردم وارد عمل شود.

استاندار بوشهر اشتغال را یکی از مهم‌ترین خواسته‌های مردم از صنعت دانست و ادامه داد: سهم جوانان استان بوشهر در اشتغال در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی باید افزایش یابد و بیشترین سهم اشتغال نصیب مردم استان شود.

وزارت نفت به مسئولیت‌های اجتماعی پایبند باشد

رئیس مجمع نمایندگان استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: وزارت نفت تاکنون به مطالبات و خواسته‌های مردم استان بوشهر به عنوان مردم محیط پیرامونی این صنعت به درستی پاسخ نداده است.

محمدباقر سعادت اضافه کرد: در حالی است که درخواست‌های مکرر و متعددی از وزارت نفت برای انجام وظایف اجتماعی خود در استان بوشهر داشته‌ایم ولی متأسفانه نتایج ملموسی حاصل نشده و شاهد بی‌مهری شدید هستیم که قابل توجیه نیست.

جذب ۵۰ درصدی نیروهای بومی استان بوشهر و به تبع آن جوانان متخصص و توانمند دشتستان در صنایع نفت و گاز یکی از ماموریت‌های وزارت نفت است که عملی نشده است

نماینده دشتستان در مجلس با اعلام نارضایتی مردم استان بوشهر از وزارت نفت در زمینه عمل به وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی، تصریح کرد: جذب ۵۰ درصدی نیروهای بومی استان بوشهر و به‌تبع آن جوانان متخصص و توانمند دشتستان در صنایع نفت و گاز یکی از مأموریت‌های وزارت نفت است که عملی نشده است.

سعادت خاطرنشان کرد: از این صنایع، آلایندگی و هزاران آسیب بهداشتی و زیست‌محیطی نفت و گاز و محرومیت‌های مختلف نصیب مردم استان بوشهر می‌شود ولی اشتغال و منافع دیگر این صنایع برای دیگران است.مردم استان بوشهر میزبان شایسته‌ای برای صنایع نفت و گاز و پتروشیمی بوده‌اند و به خوبی از این صنایع حمایت کرده‌اند ولی صنعت به خوبی پاسخ این میزبانی شایسته را نداده است.

هر چند که خدماتی در زمینه‌های مختلف همچون ساخت راه، بیمارستان، مراکز آموزشی، اجرای طرح‌های علمی، ساخت مراکز بهداشتی، اشتغال و ... توسط صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در استان بوشهر صورت گرفته است ولی این‌ها اقدامات کافی نیست.

مصوبه اشتغال ۵۰ درصد نیروی بومی در پارس جنوبی همچنان روی زمین‌مانده و حرکت محکمی برای تحقق آن پس از چندین سال صورت نگرفته است.

مردم از بیرون فنس‌های پارس جنوبی و جزیره خارگ ویترینی از توسعه صنعتی را مشاهده می کنند ولی سهم آن‌ها از این صنایع، آلایندگی و بیکاری و نابودی محیط‌زیست است.

بی‌مهری به قطب اقتصاد جنوب/ زمینه توسعه کنگان فراهم شود



زینب تجمع: شهرستان کنگان در جنوب استان بوشهر بخش عمده‌ای از صنایع و تأسیسات نفت و گاز و پتروشیمی را در خود جای داده است و میزبان خیل عظیم فعالان اقتصادی است.

به گزارش خبرگزاری مهر، حدود نیمی از تأسیسات پارس جنوبی در شهرستان کنگان مستقر است و در حال حاضر تعدادی از فازها در این شهرستان به بهره‌برداری کامل رسیده و چندین فاز نیز در دست اجرا است که در آینده نزدیک شاهد بهره‌برداری از آنها خواهیم بود.

استقرار صنایع در شهرستان کنگان باعث شده تا شاهد انفجار جمعیت در سطح این شهرستان و افزایش چندبرابری جمعیت باشیم و این موضوع می‌طلبد که نگاه ویژه‌ای به توسعه زیرساخت‌ها در این شهرستان صورت گیرد.

علی‌رغم نقش مهمی که کنگان در صنعت و اقتصاد و تولید انرژی کشور دارد، تاکنون به خوبی مورد توجه قرار نگرفته است و بی‌مهری‌ها به این شهرستان همچنان ادامه دارد و این موضوع نارضایتی اهالی را در پی داشته است.

کنگان به فراموشی سپرده شده است

رئیس شورای اسلامی شهر کنگان از بی‌مهری‌های استان، صنعت و منطقه ویژه نسبت به کنگان انتقاد کرد و گفت: کنگان قطب اقتصادی کشور است ولی با این وجود به فراموشی سپرده شده است که این بی توجهی قابل قبول مردم این منطقه نیست و عواقب دارد.

نادر احمدی ادامه داد: موضوعات و مشکلات شهر را به جد پیگیری می کنیم و برای دستیابی به خواسته به حق آنها استاندار، مدیرکل و حتی وزیر را به شهرستان فرامی‌خوانیم.

وی در خصوص مشکلات و نیازهای این منطقه گفت: ادارات شهرستان، بومی‌ها را پوشش نمی‌دهند در حالی که خواسته ما عدم استخدام غیر بومی‌ها در ادارات است.

رئیس شورای اسلامی شهر کنگان با بیان اینکه معیشت و کار جوانان شهرستان نیازمند پیگیری است، ادامه داد: پسندیده نیست که جوانان تحصیل کرده بومی به دلیل بیکاری و فشارهای اقتصادی، تقاضای کار به عنوان نظافت‌چی و پاکبانی به فرمانداری و شهرداری بدهند؛ پس صنعت کی قرار است اقدام هایی به جبران خسارت خود کند؟

وی ادامه داد: حمایت از مدیران بومی و دقت نظر در نصب و عزل‌ها مسئولین ادارات و نهادها، معرفی پروژه‌ها و فرصت‌های شغلی به سرمایه‌گذار داخلی و خارجی، تکمیل جاده کمربندی توسط اداره راه و شهرسازی، پیگیری دریافت حق آلایندگی ضروری است.

مشکلات کنگان به گوش مسئولان کشوری برسد

شهردار بنک اظهار داشت: مطالبات مردم و مسائل شهرستان باید به گوش مسئولان کشوری برسد تا زمینه تصمیم‌گیری و رفع نیازها و مشکلات مردم فراهم شود.

حجت ریحانی‌نیا خواستار تشکیل کارگروه مطالبات و مشکلات مردمی در بین شوراها و شهرداری‌های شهرستان شد و افزود: با ایجاد کارگروه‌ها قطعا به نتیجه بهتری خواهیم رسید چرا که مشکلات گستردگی‌های دارد و با چند جلسه برطرف نمی شود.

وی خاطرنشان کرد: برای انسجام و اتحاد باید برخی محلات، خیابان‌ها و کوچه‌ها به نام کنگان، بنک، سیراف، روستاها و یا شهرهای همجوار نام‌گذاری شود.

علی هوشیار رئیس شورای اسلامی شهر بنک با تأکید بر بکارگیری جوانان بومی در دستگاه‌های اداری گفت: با وجود افراد تحصیل کرده و نخبه بومی در شهرستان پسندیده نیست مسئولیت و مدیریت دستگاه‌های اداری به اشخاص غیر بومی واگذار شود، توقع این است که به نیروهای بومی بیشتر توجه شود.

لزوم توجه به نیروهای بومی شهرستان

عضو شورای عالی استان‌ها نیز از اهمیت همگرایی و هماهنگی مردم و مسئولان گفت و افزود: عنوان و سمت مدیریت و ریاست همیشگی نیست و روزی مسئولیت‌ها پس گرفته می‌شوند ولی پذیرش انتخاب مسئولین غیر بومی در حالی که شهرستان مملو از افراد برجسته و نخبه هست، قابل قبول نیست.

طاها دشتی مطلق ادامه داد: مصوبه‌ها باید از کاغذ خارج شوند و بیشتر به عملیاتی شدن تبدیل شوند؛ اینگونه است که ما به اهدافمان می‌رسیم.

وی ادامه داد: فرصت‌های شغلی دیگری در شهرستان نیز وجود دارد که اکنون غیربومی‌ها آنها را تصاحب کرده‌اند لذا باید جوانان بومی را به سمت کارآفرینی سوق دهیم و راه را برای آنها هموار سازیم.

مشکلات شهرستان کنگان با توسعه صنعت افزایش یافته است و همین صنعت نیز باید نقش‌آفرینی مناسبی در رفع مشکلات حوزه پیرامونی خود داشته باشد و انتظار می‌رود که برخی از این مشکلات به ویژه اشتغال با کمک صنعت رفع شود.

نسیم جنوب ۷
اجتماعی
شماره ۸۵۲ یکشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

عسلویه، کوه طلا کنار کوه آلودگی

رضا غبیشاوی

کوه طلایی که قرار است خزانه دولت را پر کند و زمینه آسایش مردم ایران را فراهم کند نباید عامل زجر و آزار بخش دیگری از مردم ایران باشد.

۱- ایجاد تأسیسات گازی میدان پارس جنوبی در ساحل عسلویه، ۱۹ ساله شد. مسعود حسنی مدیرعامل مجتمع گاز پارس جنوبی به این مناسبت گفته است: "ارزش مخزن پارس جنوبی معادل ۱۵۵ هزار و ۹۹۲ تن طلا است. یعنی اگر این مقدار طلا را در کامیون بارگیری کنیم و در هرکامیون ۲۰ تن طلا قرار گیرد، ۷ هزار و ۸۰۰ کامیون و کاروانی به طول ۷۸ کیلومترخواهد شد؛ به عبارت دیگر، مخزن پارس جنوبی ارزشی معادل ۱۲۰ سال تولید نفت کشور را داراست." (سایت شرکت ملی گاز)

میدان پارس جنوبی که در قطر آن را میدان شمالی می نامند بزرگترین میدان گازی جهان است. میدانی که ایران و قطر را بعد از روسیه، به ترتیب در جایگاه دومین و سومین دارنده منابع بزرگ گاز جهان تبدیل کرده است. میدانی که مردم ایران را در زمستان از گزند سرما مصون می دارد و توانایی صادرات گاز به همسایگان و اروپا را به دولت ایران می دهد میدانی که قطر را به بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی مایع جهان و مردم این شبه جزیره را به ثروتمندترین مردم جهان تبدیل کرده است.



۲- جنوب استان بوشهر منتهی به شهر عسلویه کوه های زیبایی دارد. جایی که کوه ها به خلیج فارس می رسند و گاه این فاصله آنقدر نزدیک می شود که پای کوه، امواج دریا را حس می کند اما کوه اصلی زیر ساحل عسلویه نهفته است کوهی از طلا که ایران و قطر بر سر برداشت از آن در رقابت با یکدیگرند با این حال برداشت کنندگان از کوه طلا در ساحل شمالی، در ۲۰ سال اخیر کوه دیگری را هم ایجاد کرده اند و آن کوه آلودگی است.

۳- چند روز پیش کلانتری رییس سازمان حفاظت محیط زیست به عسلویه رفت. مردم و مسوولان عسلویه فریاد زدند که اینجا آلوده است اینجا در حال نابودی است. مردم در حال مرگ تدریجی اند. همه چیز آلوده شده. از هوا تا خاک و دریا. مشعل ها، هوا را سیاه کرده و پساب تأسیسات، ساحل عسلویه را به نابودی کشانده است.

عضو شورای شهرستان عسلویه (بوهندی نجفی) در حضور رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست گفت: "آلایندگی هوا در منطقه عسلویه ضمن افزایش بیماری ها جان مردم را به خطر انداخته است. آمار سرطان و سقط جنین و نازایی در این منطقه بیشتر از دیگر نقاط کشور است. کاش در کنار تشکیل ستاد احیای دریاچه ارومیه، ستاد نجات ساکنین عسلویه و کنگان هم تشکیل می شد. لازم است ما به اندازه سیاست گذاری برای حفظ یوزپلنگ و لاک پشت برای نجات و حفاظت از جان ساکنان مناطق همجوار عسلویه هم برنامه ریزی کنیم." (سایت خلیج فارس)

کاشفان طلا با عسلویه چه کرده اند که مردم بومی این گونه ناراضی و معترض شده اند؟ کاشفان طلا چه بر سر امکانات اولیه زنده ماندن (نفس کشیدن) آورده اند؟

۴- تا قبل از آمدن کاشفان طلا به عسلویه، انسان ها در این منطقه زندگی می کردند با امکانات کمتر اما در هوا، خاک و دریای پاک. راحت، نفس می کشیدند و به کشاورزی و صیادی می پرداختند.

۵- چندی قبل ربیعی وزیر کار به عسلویه سفر کرد و شماری از جوانان با مطالبه کار و با دست نوشته هایی اعتراضی به استقبال او آمدند. بیکاری در عسلویه و شهرهای اطراف آن صدای اعتراض همه را درآورده است. می شد این کوه طلا را برداشت کرد و کاشفان طلا به این منطقه بیایند اما به آب و خاک و هوا آسیب نزنند و با تدبیری، ساکنان محلی/ بومیان / شهروندان نخستین / ساکنان اصلی را این گونه با معضل بیکاری طرف نکرد.

ای کاش به شرکت های پیمانکار داخلی و خارجی که مشغول برداشت طلا بودند اجبار می کردند از آب و خاک و هوا محافظت کنند به آنها مسئولیت های اجتماعی شان را یادآوری می کردند از آنها می خواستند زمینه رضایت بومیان / ساکنان اصلی/ محلی ها را فراهم کنند. از آنها می خواستند هنرستان ها و مراکز فنی و حرفه ای را ایجاد می کردند که اگر این کار ۲۰ سال یا ۱۰ سال یا ۵ سال قبل انجام می شد امروزه نه تنها جوانان عسلویه بلکه سایر جوانان شهرهای همجوار از این کوه طلا و کشف آن رضایت داشتند.

۶- کوه طلایی که قرار است خزانه دولت را پر کند و زمینه آسایش مردم ایران را فراهم کند نباید عامل زجر و آزار بخش دیگری از مردم ایران باشد.

۷- برخی صنایع را مترادف آلودگی و آسیب به محیط زیست می دانند. این سخن نادرستی است. امروز تأسیسات نفت و گاز در کشورهای توسعه یافته همسو با محیط زیست هستند نه علیه آن. می توان از تجربیات دیگران استفاده کرد. این موضوع را می توان مانند انتقال تکنولوژی از شرکت های بزرگ جهان آموخت.

۲۰ سال قبل وقتی توتال و دیگر شرکت های داخلی و خارجی به عسلویه آمدند اگر موارد زیست محیطی را رعایت می کردند قطعا مردم امروز از کوه طلا، دود تنفس نمی کردند.

بدانیم عسلویه صرفا کارگاه کشف طلا نیست بلکه محل زندگی انسان ها و گیاهانی است که قرن ها در آب و خاک و آب پاک زندگی کرده اند اما هم اکنون کاشفان طلا ادامه زندگی آنها را به خطر انداخته اند.

در توسعه پایدار نگرانی از آینده است حال آنکه زندگی امروز انسان ها در خطر است.

هم اکنون هم می توان کاری کرد تا شرایط کشف طلا، بیش از این زندگی عادی مردم را به خطر نیاندازد. باید تلاش کرد برای جبران گذشته، باید تلاش کرد برای آینده ای پاک تا در کنار کوه طلا، کوهی از رضایت و پاکی و تمیزی داشته باشیم.

بعد از نوشتار

در چند ماه اخیر مسئولان نفت و گاز در عسلویه، قراردادهایی را با شرکت های داخلی و خارجی برای خاموش کردن مشعل ها و در نتیجه کاهش آلودگی هوا امضا کرده اند. تلاش آنها در این زمینه ستودنی است و امیدواریم حرکت در مسیر کاهش سایر آلودگی ها نیز ادامه یابد.

اتفاق نظر متخصصان پزشکی، روانشناسی و مددکاری در کنگره خدمات حمایتی محک:

خرد جمعی، تحولی نوین در درمان چندتخصصی سرطان کودک رقم خواهد زد

مدیر خدمات حمایتی مؤسسه خیریه محک در حاشیه دومین کنگره بین‌المللی نقش خدمات حمایتی (زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی) در درمان چندتخصصی سرطان کودک که یکم و دوم آذر ماه در بیمارستان فوق تخصصی محک برگزار شد، گفت: «میانگین تعداد پذیرش کودکان در سال‌های ۹۴ و ۹۵ نشان می‌دهد که روزانه ۶ کودک در سراسر ایران به کودکان تحت حمایت محک اضافه می‌شود. تا پایان سال ۹۵ و در استان بوشهر، ۱۰۰ کودک مبتلا به سرطان تحت حمایت محک بوده‌اند و این خیریه مردم نهاد، خدمات رفاهی و درمانی خود را به آن‌ها ارائه کرده است. این در حالی است که تا پایان سال ۹۵ جمعاً ۲۷ هزار کودک تحت حمایت محک قرار گرفته‌اند.»



به گزارش روزنامه نسیم جنوب، پروفسور اریک بوفه (رئیس انجمن بین‌المللی آنکولوژیستان کودک) که به خاطر حضور در کنگره خدمات حمایتی محک به ایران سفر کرده است، با اشاره به اهمیت درمان چندتخصصی سرطان و استانداردهای نوین جوامع بین المللی پزشکی در درمان سرطان، گفت: "درمان بیماری‌هایی چون سرطان کودک تنها توسط پزشکان آنکولوژیست محقق نمی‌شود. در واقع نقش پزشکان و هسته داخلی تیم آنها بسیار مهم است اما به تنهایی قادر به ارائه درمان نخواهند بود و باید تخصص‌های دیگری چون رادیوتراپیست، پاتولوژیست، جراح، پرستار، مددکار اجتماعی، روان‌شناس، روان‌پزشک و غیره نیز دست به دست هم دهند تا درمان مؤثر و کارآمد اتفاق بیافتد انجام این‌ها مثل یک تیم فوتبال است. اگر روحیه حاکم بر تیم، روحیه شکست‌خورده‌ای باشد تیم موفق نخواهد بود؛ پس اگر قافیه را ببازید شکست می‌خورید."

بوفه در ادامه افزود: "تنها در صورت داشتن مدیریتی جامع و یکپارچه است که کامل‌ترین معالجه برای بیمار محقق می‌شود. باید سعی کنیم کودک را نه فقطه به عنوان یک بیمار مبتلا به سرطان بلکه به عنوان یک فرد معالجه کنیم. هیچ تدبیری نباید کم اهمیت نگاشته شود و جا بماند."

عوامل محیطی حدود ۴۰ درصد از علل بروز سرطان است

دکتر علی‌اکبر حق‌دوست، معاون برنامه‌ریزی راهبردی و هماهنگی وزارت بهداشت در این کنگره از همکاری محک با وزارت بهداشت در راستای شناسایی خلأها و همراهی با ظرفیت‌های اجتماعی کشور تشکر کرد و گفت: «سرطان حاصل ۳ عامل ژنتیکی، محیطی و تداخل ژنتیک و محیط است. عوامل محیطی حدود ۴۰ درصد از علل بروز سرطان است اما آیا می‌توان سهم دیگر ابتلا به سرطان را به عوامل ژنتیکی اختصاص داد. پاسخ منفی است چرا که تداخل این دو عامل نقش بسیار مهمی دارند و در بسیاری موارد افراد با وجود زندگی در شرایط یکسان از مشی نامتفاوتی بهره می‌برند.»

حق‌دوست محک را به عنوان یک مجموعه هدفمند و منطبق با برنامه استراتژیک دانست و ادامه داد: «براساس توضیحاتی که ارائه دادم پیشنهاد می‌کنم تا این سازمان بر اساس تحقیقات پیشگیرانه نیز حرکت کند تا دریابیم میزان بروز سرطان در کدام نقطه ایران بیشتر از سایر نقاط است تا با مداخله اجتماعی و محیطی و رفع عوامل خطر به پیشگیری بپردازیم.»

استقرار یک خیریه در بیمارستان‌های سراسر کشور

در بخشی دیگر از کنگره، دکتر محمد نصیری، مدیر کل خیرین و مؤسسات خیریه سلامت وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، گفت: «همانطور که نقش تیم درمانی که شامل پزشک، پرستار، مددکار اجتماعی و روان‌شناس در بحث درمانی مهم است، تأمین‌کننده مالی که خیریه‌ها در کشور هستند نیز نقش بسیار مهمی دارند. برای آنکه این مهم رو به جلو حرکت کند ضمن آنکه مددکاران و روان‌شناسان را باید وارد تیم درمانی کنیم، خیریه‌ها نیز باید به عنوان یک بازوی مهم نقش‌آفرینی نمایند.»

وی افزود: «به همین خاطر برنامه گسترده‌ای داریم که تا پایان سال در همه بیمارستان‌های کشور که بالغ بر ۵۸۰ بیمارستان می‌شود، یک خیریه مستقر نماییم که محوریت مددکاری را بر عهده دارند.»

درمان چندتخصصی از واجبات درمان سرطان کودک است

دکتر عظیم مهرور، رئیس بیمارستان فوق‌تخصصی سرطان کودک محک گفت: «درمان چندتخصصی یکی از واجبات درمانی مورد نیاز کودکان مبتلا به سرطان است که امنیت بیمار و پزشک از طریق آن حفظ می‌شود و اگر بخواهیم برخلاف آن عمل کنیم پروتکل درمانی را زیر سؤال برده‌ایم.»

این فوق‌تخصص خون و آنکولوژی کودک با تأکید بر اینکه آنکولوژیست به تنهایی قادر به درمان کودک مبتلا به سرطان نیست ادامه داد: «تیمی قوی و قدرتمند نیاز است تا مشکلات را مدیریت کرده و نحوه برخورد با آن را مورد بررسی قرار دهند. باید یک تیم برای یک بیمار کار می‌کنند و از او حمایت می‌کنند تا بهترین درمان را دریافت نماید.»

بیمارستان‌های همکار با محک

مدیر خدمات حمایتی محک در حاشیه این کنگره درباره وضعیت فعلی خدمات این سازمان در کشور تصریح کرد: «داوطلبان مددکاری محک در کلیه بیمارستان‌های دولتی و دانشگاهی دارای بخش خون و آنکولوژی کودک سراسر کشور، حضور دارند و پرونده حمایت از کودکان مبتلا به سرطان را تشکیل می‌دهند. در واقع پرداخت هزینه درمانی فرزندانمان بخشی از مأموریت محک است تا هیچ کودکی به خاطر فقر، درمان خود را نیمه‌کاره رها نکند و همه امکانات پزشکی مورد نیاز را دریافت نماید.»

لازم به ذکر است دومین کنگره بین‌المللی نقش خدمات حمایتی (زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی) در درمان چندتخصصی سرطان کودک، یکم و دوم آذر ماه با سخنرانی پروفسور ایزارنگ ناچپرایون (استاد دانشگاه چولالانکورن تایلند و مدیر مؤسسه wishing well)، پروفسور اریک بوفه (رئیس جامعه بین‌المللی آنکولوژیستان کودک و مؤسسه Sick Kids کانادا)، چارلز ام. بوگوآ (نماینده فدراسیون بین‌المللی مددکاری در سازمان ملل)، دکتر شیوا دولت‌آبادی (رئیس هیأت مدیره انجمن روان‌شناسی ایران و رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان) و دیگر اساتید دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران، علامه طباطبایی، شهید بهشتی و... در سالن آمفی تئاتر بیمارستان فوق تخصصی محک برگزار شده است.

۷۵ تا ۹۸ درصد زنان مورد آزارخیابانی قرارگرفته‌اند

تعقیب شدن با ماشین رایج‌ترین آزار



مدیرگروه مطالعات زنان انجمن جامعه‌شناسی ایران در گفت‌وگو با ایسنا:

- آزارهای جنسی همزمان با ایجاد شهرهای بزرگ آغاز شده‌اند.
- در حال حاضر آزار خیابانی زیرگروه خشونت در عرصه خصوصی، عمومی و نیمه عمومی مانند دانشگاه و محل کار قرار می‌گیرد.
- در گذشته گفته می‌شد برخی زنان به دلیل خودنمایی، استفاده از لباس‌ها و آرایش‌های خاص و یا حضور در اماکن نامناسب مورد آزار قرار می‌گیرند و بدین ترتیب خود زنان مورد آزار قرار می‌گرفتند، این در حالی است که پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شکل ظاهری و نه پوشش و نه حتی نگاه کردن و یا حضور زنان در مکان‌های خاص هیچ تأثیری بر روی این آثارها ندارد.
- مزاحمت گفتاری شامل مخاطب قرار، توهین، کنایه، تمسخر و استفاده از الفاظ با نیت شهوانی، فحش و ناسزا و تهدید هستند.
- همچنین مزاحمت‌های رفتاری شامل بوق زدن رانندگان و تعقیب کردن و ... را شامل می‌شود.

شبکه‌های مجازی در برابر مجتمع‌های بزرگ خرید



مجتمع‌های بزرگ خرید، از چشم شهروندان افتاده اند.

نتایج بررسی ها درباره موقعیت جدید مال ها در جهان و اوضاع وخیم این مراکز در تهران حاکی است:

- بازار مجتمع‌های تجاری چندمنظوره و مراکز بزرگ فروش کالا در دنیا، با پشت‌سر گذاشتن دوران «شکوفایی» و «اوج رونق» مراجعه خریدار و بازدیدکننده، مدتی است وارد عصر «زوال» و «مرگ تدریجی» فروش سنتی شده‌اند.
- اما در پایتخت، حجم قابل توجهی از همین مراکز (بیش از ۵۰ برج)، تازه در مراحل پایانی ساخت و تکمیل برای شروع فعالیت هستند.
- اکنون رقیب مجازی «مال»ها، میزان مراجعه به مراکز تجاری در حال بهره‌برداری را در تهران به شدت کاهش داده است. مطالعات نشان می‌دهد، تحت تأثیر نفوذ شبکه‌های مجازی (تلگرام و اینستاگرام) به روابط اجتماعی افراد، بخشی از نیاز پایتخت‌نشین‌ها (دیدن و دیده شدن) که تا پیش از این با مراجعه به این مراکز پاسخ داده می‌شد، به طریق دیگر در حال تأمین است.

منبع: اقتصاد آنلاین

ما بی‌خانمان‌های عصر دیجیتالیم، خانه به یک دیتا بدل شده است

جامعه سینما: در عصر اینترنت و یوتیوب و مدیا، در عصر پساسینما و پساتلویزیون، تصویر دیگر همه‌جا هست و همه‌جا تصویر است. هرکسی دوربین و صفحه نمایش کوچک خود را در جیبش دارد. ولی وقتی همه چیز تصویر است و تصویر همه‌جا هست، پس هیچ راه خروجی تصویری وجود ندارد. هیچ خارجی وجود ندارد. هرجا باشی در درون این مگامدیایی. سرژ دنه می‌گفت «گذشته از هر چیز، سینما هنرِ بازگرداندن (یا همراهی) هرکسی به خانه‌اش نیزِ هست». ولی دیگر کسی به خانه برنمی‌گردد، دیگر مفهوم خانه از دست رفته است. کسی به خانه برنمی‌گردد یا اصلن خانه‌ای ندارد. ما همه بی‌خانمان‌های عصر دیجیتالیم. خانه به یک دیتا یا به یک آیکون بدل شده است. یک خانه‌ی دیجیتالی رمزگذاری شده. پیش از هر چیز باید به شبکه وصل شوی تا در جستجوی خانه‌ات باشی. برای همین یک تصویر رهایی‌بخش یا یک سینمای رهایی‌بخش سینمایی‌ست که اسکرینی یا صفحه‌نمایشی باشد که بعنوان همین در خروجی عمل کند و خود خروجی‌ای باشد به سوی آن. صفحه‌ای که بیرون را بسازد و نه اینکه نشان دهد. چون بیرون دیگر یک مکان نیست بلکه یک زمان است، یک زمانِ رهایی‌یافته، یک عاطفه‌ی استثمارنشده، نوعی شور. جهانِ امروز مملو از تصویر است و هنوز برای چند تصویرِ درست له له می زند. برای تصویر بیرون، برای بیرونِ تصویر. هنوز فرمول گدار پابرجَاست: نه یک تصویر درست بلکه صرفن یک تصویر.

پیش بینی های «ری کورزویل» در مورد وضعیت فناوری در آینده

سال ۲۰۱۹:
خداحافظی رایانه های شخصی و لوازم جانبی رایانه ها با کابل و سیم
سال ۲۰۲۰:
افزایش قدرت رایانه های شخصی با امکان مقایسه آنها با توان مغز انسان
سال ۲۰۲۱:
امکان دسترسی به اینترنت بی سیم در ۸۵ درصد از نقاط کره زمین
سال ۲۰۲۲:
وضع قانون رفتار انسان ها و ربات ها در ایالات متحده و اروپا (تعیین وظایف و حوزه فعالیت ربات ها)
سال ۲۰۲۴:
اجباری شدن هوش رایانه ای در خودروها (عدم اجازه نشستن پشت خودرو فاقد هوش مصنوعی)
سال ۲۰۲۵:
تشکیل بازارهای بزرگ عضوهای مصنوعی بدن انسان
سال ۲۰۲۶:
تمدید عمر به ازای هر ثانیه به کمک پیشرفت علم
سال ۲۰۲۷:
تبدیل ربات های خدمتکار با توان انجام کارهای سخت، همچون یخچال و قهوه جوش، به یک ابزار و دستگاه معمولی در زندگی روزمره انسان
سال ۲۰۲۸:
ارزان و قابل دسترسی شدن انرژی خورشیدی برای مصرف ساکنان زمین
سال ۲۰۲۹:
هوشمند شدن رایانه ها (در چارچوب مدل سازی رایانه ای مغز انسان)
سال ۲۰۳۰:
گسترش استفاده از نانوفناوری در صنعت
سال ۲۰۳۱:
استفاده از چاپگرهای سه بعدی اعضای بدن در تمام بیمارستان ها
سال ۲۰۳۲:
استفاده از نانو رباتها در علم پزشکی (حذف مواد زاید از بدن و اسکن مغز برای کشف اسرار آن)
سال ۲۰۳۴:
نخستین دیدار انسان با هوش مصنوعی
سال ۲۰۳۶:
استفاده از روشهای برنامه نویسی برای برنامه نویسی سلولها و درمان بیماریها
سال ۲۰۳۸:
ظهور ربات های انسان نما (مجهز به هوش مضاعف)
سال ۲۰۳۹:
کاشت مستقیم نانو ماشین ها در مغز (غوطه وری کامل انسان در دنیای مجازی بدون هیچ دستگاهی)
سال ۲۰۴۰:
کاشت موتور جستجو در بدن انسان (مشاهده نتیجه آن روی لنز یا عینک مخصوص)
سال ۲۰۴۱:
افزایش توان اینترنت به میزان ۵۰۰ برابر امروز
سال ۲۰۴۲:
نخستین مورد جاودانگی انسان. ارتش نانو ربات ها به کمک سامانه ی دفاعی بدن آمده و انواع بیماری ها را درمان می کند.
سال ۲۰۴۳:
بدن انسان می تواند به کمک نانو ربات ها به هر شکلی که بخواهد در بیاید.
سال ۲۰۴۴:
توانایی هوش غیر بیولوژیکی، میلیاردها برابر هوش انسان
سال ۲۰۴۵:
آغاز عصر تکینگی یا برگشت ناپذیری فناوری،کره ی زمین به یک ابر رایانه تبدیل خواهد شد.
سال ۲۰۹۹:
تکینگی فناوری سراسر کره زمین را فرا خواهد گرفت.

منبع: کانال اکونومیست فارسی

آمار عجیب فرار مغزها از ایران در یک سال

قائم مقام دانشگاه علوم پزشکی همدان:
خروج ۱۸۰ هزار نفر از دانش‌آموختگان کشور در سال ۱۳۹۴ و مهاجرت به دیگر کشورها از جمله کانادا برابر است با مجموع درآمد نفت که فاجعه‌ای برای کشور است.

بدترین اتفاق در پدیده فرار مغزها فرار ژن از کشور است که به احتمال زیاد کشور در دهه آینده با پدیده پایین آمدن آی‌کیو یا فکر خلاق و نوآور مواجه خواهد شد./ایسنا

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



لغو امتیاز ۳۲ رسانه استان بوشهر، نتیجه عملکرد ماحوزی در مدیرکلی ارشاد

مدیرکل لغو امتیاز رسانه های استان بوشهر



علی اسماعیلی: در خبرها به نقل از مدیر خانه مطبوعات خواندیم که ۲۰ نشریه مکتوب استان بوشهر، لغو امتیاز شدند. در شهریورماه هم ایشان از لغو امتیاز ۱۲ پایگاه خبری و نشریه خبر داده شده بود. تعداد رسانه هائی که در دوران مدیرکلی ماحوزی در اداره ارشاد لغو امتیاز شدند به عدد ۳۲ رسیده که منحصر بفرد و ایشان را باید مدیرکل لغو امتیاز نشریات استان بوشهر دانست.

در مدت مدیرکلی ایشان در ارشاد بوشهر، تعدادی از مطبوعات اصلاح طلب از سیاست ها و برنامه های سلیقه ای ایشان در تحریم مطبوعات منتقد مدیریتشان، اعتراض نموده و خواستار شفاف سازی کمک های مدیرکل ارشاد به مطبوعات شده اند که البته هنوز از طرف ماحوزی به این درخواست آنها اعتنایی نشده و مدیرکل ارشاد در دولتی که شعار شفاف سازی می دهد، حاضر نیست شفاف سازی توزیع آگهی های ارشاد که باید عادلانه در بین همه مطبوعات پخش شوند، را انجام دهد. شکی نیست که در صورت ادامه سیاست جانبدارانه و آپارتایت مطبوعاتی توسط مدیرکل ارشاد، لغو امتیاز دیگر رسانه های استان بوشهر را شاهدیم.

مسئولیت مستقیم لغو امتیاز این تعداد زیاد از مطبوعات محلی که هرکدام برای خود رسالت و هدفی را در نظر گرفته بودند اما بدلیل مشکلات مالی دچار توقف شده و سپس لغو امتیاز شدند، متوجه مدیریت ماحوزی در مدیرکلی ارشاد بوشهر است چرا که چنانچه آگهی های اداره تحت مدیریت ایشان به طور عادلانه توزیع شده بودند، این نشریات محلی قادر به چاپ و ادامه انتشار بودند اما اینکه آگهی های دولتی که به امانت به ارشاد جهت چاپ در نشریات سپرده می شوند، تنها در چند نشریه مورد علاقه مدیرکل منتشر شوند و دیگر نشریات مورد تحریم ایشان قرار گیرند، جز برخورد سلیقه ای مدیریت ایشان چه می تواند باشد.

لغو امتیاز نشریات در حکم مرگ رسانه هست و جای افسوس دارد که مدیرکل ارشاد که وظیفه اش حمایت از رسانه ها و آزادی بیان است، نتواند به وظیفه خود عمل کند و نه تنها جلوی مرگ رسانه را بگیرد که با تحریم رسانه های منتقد خود، مرگ آنها را باعث شود. سابقه چنین مدیریتی حتما به تعداد رسانه هایی که دچار مرگ شده اند، در تاریخ مطبوعات بوشهر خواهد ماند. به راستی پاسخ ماحوزی در تاریخ به مرگ رسانه ها در زمان مدیریت خود چه خواهد بود؟!

آسیمگی زلزله ی کرمانشاه

حیدر عرفان



اندر غم یاران / «دم به نی دادن
چاره نیست که / «عُمر به چشم باد دادن است»
که/ «تن به غم آباد» نه.
از پاکشی آنهم نتوان گریز بود/ چونان که زین گزیده ای
کسی را مجال، نه. در ولوله ی دریا و آشوبگی آذرخش و کوهه ی آسمان خیز ناشکیبای دورخیز/ چه می شود که / «زمزمه ی تاریخ زندگانی است که مرده اند!/.
ما را «شروه» ی غمبارست / که سرایش و همهمه ی تاریخ زندگی ست./
این معرکه و سر فریاد،/ سر چال خانه غم» ، «زاده ی شب هنگام دهرست،/
اندر ته پاره ی آرزومان/ حاجتمندان بیقرار که،/ آن «توبره ی ... سلیمان است/ اما بی حاصل و پریشان،/
در کوچ قلمداران و دلواپسان/ فروهشته و بی سامانی قلب های شکسته!!! ای وای و آه!!!



ظهور یک بوشهری دیگر در سینمای ایران

اسماعیل بهبهانی

پس از مدتها انتظار علاقه مندان بوشهری سینما شاهد اکران و افتتاحیه رسمی فیلم "پینوکیو -عاموسردار و رییسعلی" ساخته سید رضا صافی بودند.

در مراسم افتتاحیه که در سینما بهمن بوشهر برگزار شد بازیگران و عوامل فیلم و چند چهره سرشناس سینمای ایران (مجید مظفری -فاطمه گودرزی- مرضیه برومند و...) هم حضور داشتند.

این فیلم که همزمان در سینماهای تهران و بعضی از شهرستان ها هم اکران شد دومین فیلم سینمایی صافی پس از "بالابان ۱۳۸۹" است اما اولین اثر این کارگردان بوشهری است که اکران سراسری می گیرد.

متأسفانه چند سال پیش "بالابان" که منتظر اکران بود ناگهان توسط یکی از شبکه های سراسری سیما روی آنتن رفت و باعث بهت و حیرت همگان گردید و امکان اکران از فیلم سلب شد.

سیدرضا صافی پس از نزدیک به سه دهه فعالیت در عرصه فیلمسازی و تولید و ساخت دهها فیلم کوتاه - بلند داستانی- مستند و چند مجموعه تلویزیونی توانست با "پینوکیو -عاموسردار و ریسلی" خود را به سینمای ایران اثبات کند.

همه بازیگران و عوامل فیلم که برای نوجوانان ساخته شده از هنرمندان بوشهری هستند.

این فیلم در بیست و نهمین جشنواره بین المللی فیلمهای نوجوان ایران (همدان ۱۳۹۴) جایزه بهترین فیلم -فیلمنامه و جلوه های ویژه بصری و در جشنواره بین المللی فیلم رشد (تهران ۱۳۹۵) جایزه بهترین فیلم بلند داستانی بخش بین الملل و جایزه ویژه هیئت داوران را برای بازیگر نوجوان فیلم بدست آورد.

در حال حاضر سیدرضا صافی و احسان عبدی پور تنها فیلمسازان بوشهری هستند که آثار آنها اکران عمومی می شود در حالی که در این شهر و دیار هنرمندان زیادی هستند که اگر مورد حمایت قرار گیرند می توانند در کنار این دو نفر در سینمای ایران فعالیت کنند.

ورزشکار پیشکسوت بوشهری، لباس های فوتبال ستارگان جهان با امضای خودشان را برای کمک به زلزله زدگان در معرض فروش گذاشت

نسیم جنوب؛ محمود ابراهیم زاده، پیشکسوت فوتبال بوشهر تعدادی از لباسهای فوتبال ستارگان جهان با امضای آنان و تیمهایشان که به وی اهدا شده بود را به انجمن حمایت از پیشکسوتان نیازمند و کمک به زلزله زدگان کرمانشاه به برنامه ۹۰ فرستاد. این لباس ها از سوی برنامه نود در معرض فروش گذاشته خواهد شد.





هدیه طارمی به کودک بیمار قلبی

مهدی طارمی لباس خود را به یک کودک بیمار قلبی که در تمرین سرخپوشان حضور داشت هدیه کرد و قرار شد وی را در کلاس فوتبال باشگاه پرسپولیس ثبت نام کند/خبرورزشی



دوازدهمین سالکوچ منوچهر آتشی در بوشهر

دوازدهمین سالکوچ منوچهر آتشی در آیینی با حضور محمد شمس لنگرودی و فرخنده حاجی زاده از شاعران مطرح کشور و دوستداران شعر و ادب در بوشهر برگزار شد.

به گزارش ایرنا، شمس لنگرودی در این آیین گفت: منوچهر آتشی از محدود شاعرانی است که در دوران حیات به عنوان کار روزمره خود به سرودن شعر پرداخت.

وی افزود: سروده های آتشی مستمر بود، طوری که کمتر روزی از دوران حیاتش بدون سروده شعر تازه دیده می شود.

لنگرودی ادامه داد: آتشی بر ادبیات کهن آگاه بود و پشتکار و سختکوشی او باعث شد تا به عنوان یکی از ستون های شعر نو مطرح شود.

شعرخوانی فرخنده حاجی زاده (نویسنده و شاعر)، سیامک برازجانی، بهنام مومنی، صالح دروند از دیگر برنامه های این آئین بزرگداشت بود.

خورشید فقیه نیز توضیحاتی پیرامون چگونگی تدفین منوچهر آتشی در بوشهر ارائه کرد.

۲ گروه هنری "جوانه" و "دل آرایی" نیز در این آئین به اجرای موسیقی سنتی پرداختند که خانواده آتشی از آنها تجلیل کردند.



عکاس : رسول سعادت نیا


عکاس : رسول سعادت نیا

تصاویر از رسول سعادت نیا






عکاس : رسول سعادت نیا




عکاس : رسول سعادت نیا